

فهرست

درس نامه	تست	
۷		بخش اول تفکر و اندیشه
۸	۱۴	درس اول هستی بخش
۲۰	۲۹	درس دوم یگانه بی همتا
۳۵	۴۲	درس سوم توحید و سبک زندگی
۴۷	۵۵	درس چهارم فقط برای تو
۶۱	۶۷	درس پنجم قدرت پرواز
۷۳	۸۳	درس ششم سنت‌های خداوند در زندگی
۹۰		بخش دوم در مسیر
۹۱	۹۷	درس هفتم بازگشت
۱۰۳	۱۱۰	درس هشتم زندگی در دنیای امروز و عمل به احکام الهی
۱۱۵	۱۲۴	درس نهم پایه‌های استوار
۱۳۰	۱۳۷	درس دهم تمدن جدید و مسئولیت ما
۱۴۳		پاسخنامه تشریحی
۱۷۷		پاسخنامه کلیدی

هدف کلی تبیین موضوع اختیار انسان و نسبت آن با نظام حاکم بر هستی

مفاهیم اصلی

اختیار

تقدیر الهی

قضای الهی

علل طولی

علل عرضی

در درس‌های پیشین دانستیم که تنها خالق، مالک، ولی، رب و مدبر جهان خداست و هیچ‌یک از مخلوقات، در اداره جهان با او شریک نیستند. همه موجودات، تحت اراده و تدبیر خداوند قرار دارند و به اذن او عمل می‌کنند.

سوالات اصلی درس

- در این درس، به بررسی و پاسخ این سؤال‌ها خواهیم پرداخت که:
- ۱- با توجه به این که همه خدادهای جهان، تحت قوانین و تدبیر خداوند است، نقش اختیار انسان در این نظام جهانی چیست؟
 - ۲- آیا این قوانین مانع اختیار انسان است یا بستری مناسب برای شکوفایی آن؟
 - ۳- در این نظام که با اراده الهی اداره می‌شود، جایگاه اراده انسان کجاست؟ آیا اراده الهی مانع اراده انسان است؟

توضیح

این جهان گواهی می‌دهد که یک اراده بر آن حاکم است و این اراده با حکمت و تدبیر خود، جهان را اداره می‌کند و این مفهوم با اختیار انسان منافات ندارد.

این درس به رابطه توحید در ربوبیت و اختیار انسان می‌پردازد. با توجه به توحید در ربوبیت می‌گوییم: نظام متقن و به هم پیوسته و هماهنگ

اختیار، حقیقتی وجدانی و مشهود

تفاوت میان افعال اختیاری و غیراختیاری

میان حرکات قلب یک فرد برای گردش خون و حرکات پای وی به هنگام قدم‌زدن، تفاوت اساسی وجود دارد. هم‌چنان که تفاوت است میان حرکات دستی که بر اثر بیماری لرزش دارد با حرکت دستی که خود شخص برای غذا خوردن بالا و پایین می‌آورد. ضربان قلب و حرکت دستی که لرزش دارد، اختیاری نیست؛ ولی حرکات پا برای رفتن به سوی یک مقصد و حرکات دست در هنگام غذا خوردن اختیاری و تابع اراده انسان است.

مفهوم اختیار و مشهود بودن آن برای انسان

- اختیار، به معنای توانایی بر انجام یک کار و یا ترک آن است.
- اختیار یک حقیقت وجدانی است و هر انسانی آن را در خود می‌یابد و می‌بیند که شبانه‌روز در حال تصمیم‌گرفتن برای انجام یک کار یا ترک آن است.
- حتی کسی که اختیار را در سخن یا بحث انکار می‌کند، در عمل از آن بهره می‌برد و آن را اثبات می‌کند. مولوی این حقیقت را در قالب یک مثال این‌گونه یادآوری می‌کند:

می‌فشانند آن میوه را دزدانه سخت
از خدا شرمست، بگو چه می‌کنی؟
می‌خورد خرما که حق کردش عطا
می‌زدش بر پشت و پهلو چوب سخت
می‌کشی این بی‌گنه را زار زار
می‌زند بر پشت دیگر بنده‌اش
من غلام و آلت فرمان او
اختیار است، اختیار است، اختیار

آن یکی می‌رفت بالای درخت
صاحب باغ آمد و گفت ای دنی
گفت: از باغ خدا بنده خدا
پس بیستش سخت آن دم بر درخت
گفت: آخر از خدا شرمی بدار
گفت: کز چوب خدا این بنده‌اش
چوب حق و پشت و پهلو، آن او
گفت توبه کردم از جبر ای عیار

در این ابیات، شاعر به مشهود و وجدانی بودن اختیار اشاره دارد و می‌گوید حتی اگر کسی در سخن آن را انکار کند، در عمل می‌فهمد که موجودی مختار است. شاعر یک دزد را مثال می‌زند که دزدی خود را به پای بخشش الهی می‌گذارد که خدا به او بخشیده و اختیار خود را انکار می‌کند، اما هنگامی که با مجازات عمل خود مواجه می‌شود، می‌فهمد که نمی‌تواند اعمال اختیاری خود را با انکار اختیار و جبری بودن اعمالش توجیه نماید.

این ابیات با اشاره به مجازات فرد گناهکار، بیانگر «مسئولیت‌پذیری» از نشانه‌های اختیار نیز می‌باشد.

اختیار نداشتن مادر همه امور

البته باید توجه داشته باشیم که بسیاری از امور اختیاری نیست و ما در وقوع آن‌ها نقشی نداریم. در عین حال، باید توجه داشت که همین اختیار محدودی که داریم، مبنای تصمیم‌گیری‌های ما و تعیین‌کننده سرنوشت ماست.

مثال هیچ‌یک از ما در عملکرد دستگاه‌های مختلف بدن خود، مانند دستگاه گوارش و یا گردش خون و همچنین در قوانین حاکم بر طبیعت مانند قانون جاذبه زمین، توالی فصل‌ها و ... نقشی نداریم و این امور خارج از اختیار ما و به صورت طبیعی انجام می‌شود.

۱- توضیح

حقیقت وجودی اختیار روشن و غیر قابل انکار است؛ زیرا کسی که آن را انکار می‌کند، در همان حال اثبات می‌کند که این انکار را آگاهانه و از روی اختیار انجام داده است. البته انسان در همه امور اختیار ندارد ولی همین قدرت اختیار محدود

او، عاقبت وی را رقم می‌زند.

۲- کلیدواژه

وجدانی بودن اختیار: اختیار حقیقتی وجدانی است. «وجدان» به معنی یافتن است و به گرایش‌ها، ویژگی‌ها و خصوصیات از انسان که هر انسان آن را در خود می‌یابد، «وجدانی» می‌گویند.

شواهد وجود اختیار

با وجود روشن بودن اختیار و بی‌نیازی آن از استدلال، همه ما شواهدی بر وجود آن را در خود می‌یابیم که عبارت‌اند از:

۱- تفکر و تصمیم

- هر کدام از ما همواره تصمیم‌هایی می‌گیریم و برای این تصمیم‌ها ابتدا اندیشه می‌کنیم و جوانب آن را می‌سنجیم و سپس دست به عمل می‌زنیم.
- گاهی نیز دچار تردید می‌شویم که از میان چندین راه و چندین کار، کدام‌یک را انتخاب کنیم. دست آخر، پس از بررسی‌های لازم، یکی را برگزیده و عمل می‌کنیم.

این‌که فردا این‌کم یا آن‌کم خود دلیل اختیار است ای صنم

این بیت می‌گوید این‌که انسان از میان چند راه برای انجام‌دادن، دچار تردید است و یکی را باید انتخاب کند، دلیل و نشانهٔ اختیارش است.

۲- احساس رضایت یا پشیمانی

- هرگاه در کاری موفق شویم، احساس رضایت و خرسندی وجودمان را فرا می‌گیرد. این احساس رضایت نشانهٔ آن است که آن کار را از خود و نتیجهٔ اراده و تصمیم عاقلانهٔ خود می‌دانیم.
- گاه نیز در کاری مرتکب اشتباه می‌شویم و به خود یا دیگری زیان می‌رسانیم. در این هنگام احساس پشیمانی می‌کنیم و با خود می‌گوییم ای کاش آن کار را انجام نمی‌دادم. این احساس پشیمانی نشانگر آن است که من توان ترک آن کار را داشته‌ام.

گر نبودی اختیار این شرم چیست
وان پشیمانی که خوردی زان بدی
این دریغ و خجالت و آزر چیست؟
ز اختیار خویش گشتی مهتدی

بیت اول می‌گوید که اگر انسان اختیار نداشت، دچار شرم، ناراحتی، افسوس و حسرت نمی‌شد و در بیت دوم می‌گوید که پشیمانی حاصل از عمل بدی که مرتکب شده، او را به داشتن اختیار هدایت می‌کند.

۳- مسئولیت‌پذیری

- هر کدام از ما خودمان را مسئول کارهای خود می‌دانیم. به همین جهت آثار و عواقب عمل خود را می‌پذیریم و اگر به کسی زیان رسانده‌ایم، آن را جبران می‌کنیم.
- عهده‌ها و پیمان‌ها نیز بر همین اساس استوارند. بنابراین، اگر کسی پیمان‌شکنی کند و مسئولیتش را انجام ندهد، خود را مستحق مجازات می‌داند.

هیچ گویی سنگ را فردا بیا
هیچ عاقل مر کلوخی را زند؟
ور نیایی من دهم بد را سزا؟
هیچ با سنگی عتابی کس کند؟

هیچ کس اشیای بی‌اختیار مثل سنگ و کلوخ را سرزنش و مجازات نمی‌کند؛ زیرا نظام پاداش، جزا و مسئولیت‌پذیری برای انسان که موجودی مختار است، معنا دارد.

نتیجه

- خدای متعال، متناسب با همین قوهٔ اختیار، بشر را راهنمایی کرده و او را مختار گذاشته است که از راهنمایی خداوند استفاده کند و سپاس‌گزار باشد، یا ناسپاسی کند و از هدایت و لطف الهی بهره نبرد و مسیر شقاوت را بی‌ماید: ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِنَّمَا شَاكَرَ وَإِنَّمَا كَفَرَ﴾

۱- توضیح

در هر یک از نشانه‌های اختیار موارد زیر مطرح می‌شود:
(۱) تفکر و تصمیم: اندیشیدن، سنجیدن جوانب کار، دچار تردید شدن، انتخاب یک کار از میان چند راه

(۲) احساس رضایت یا پشیمانی: احساس رضایت در صورت موفقیت و احساس ندامت در صورت زیان‌رساندن به خود و دیگران
(۳) مسئولیت‌پذیری: پذیرش آثار و عواقب عمل خود، جبران زیان‌های وارده، استواری عهده‌ها و پیمان‌ها، نظام پاداش‌ها و مجازات‌ها.

۲- رابطه علت و معلولی

از کلمه «زیرا» می‌فهمیم: کار اشتباه را از آن خود دانستن به دلیل اختیار: علت و احساس ندامت و پشیمانی از آن کار: معلول و نتیجه آن است.

همچنین از کلمه «به همین جهت» می‌فهمیم: خود را مسئول کارهای خود دانستن: علت و پذیرش آثار و عواقب عمل خود: معلول و نتیجه آن است.

سوره انسان، آیه ۳

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ
مَا رَا بِهٖ اَوْ نَشَانِ دَادِيْمِ.
إِنَّا شَاكِرًا وَّ اِمَّا كَفُوْرًا
يَا سِيْاَسِ گَزَارِ خَوَاهِدِ بُوْدِ يَا نَاسِيْاَسِ.

تناسب میان هدایت انسان و قدرت اختیار او

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ:
فلسفه نبوت، نشان دادن راه

إِنَّا شَاكِرًا وَّ اِمَّا كَفُوْرًا:
قدرت اختیار انسان

۱- **إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ:** خداوند متعال، با ارسال رسولان و انزال کتب آسمانی راه را به انسان نشان داد. در حقیقت، فلسفه نبوت، نشان دادن راه به انسان است.

۲- **إِنَّا شَاكِرًا وَّ اِمَّا كَفُوْرًا:** اصلی‌ترین قسمت آیه، همین عبارت است.

انسان خودش مختار است که یا راه هدایت و راهنمایی خداوند را انتخاب کند و بدین ترتیب سپاس‌گزار و شاکر باشد و یا راه گمراهی را انتخاب نماید و از لطف و هدایت الهی بهره نبرد و ناسپاس باشد. در حقیقت، شکرگزاری یا کفران، به وسیله قدرت اختیار انسان صورت می‌گیرد. پیام اصلی این آیه، قدرت اختیار انسان است، نه هدایت او.

۳- **ارتباط مفهومی:** این آیه با آیات: ﴿ذٰلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ اَيْدِيَكُمْ وَّ اَنَّ اللّٰهَ لَيْسَ بِظَلّٰمٍ لِّلْعٰبِدِ﴾ و ﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصٰٓئِرٌ مِّنْ رَّبِّكُمْ فَمَنْ اَبْصَرَ فَلِنَفْسِهٖ وَّ مَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا﴾ هم‌مفهوم است و هر دو بیانگر اختیار انسان است.

۴- **نکته ترکیبی (۱):** (درس ۲، ۴۰۰م) یکی از سرمایه‌های انسان، قدرت اختیار اوست. خداوند ما را صاحب اراده و اختیار آفرید و مسئول سرنوشت خویش قرار داد. سپس راه رستگاری و راه شقاوت را به ما نشان داد تا خود راه رستگاری را برگزینیم و از شقاوت دوری کنیم.

۵- **نکته ترکیبی (۲):** (درس ۱، یازدهم) هدایت خداوند، از مسیر دو ویژگی عقل و اختیار انسان می‌گذرد، یعنی خداوند برنامه هدایت انسان را از طریق پیامبران می‌فرستد تا انسان‌ها با تفکر در آن، با اختیار خود این برنامه را انتخاب کنند. بنابراین با کنار هم قرار گرفتن عقل و وحی می‌توان به پاسخ سؤال‌های اساسی دست یافت. البته انسان به علت دارا بودن اختیار می‌تواند راه‌های دیگری را نیز برگزیند اما در این صورت زیان خواهد کرد. قرآن کریم چنین کسی را «ناسپاس» نامیده است.

۶- **نکته ترکیبی (۳):** (درس ۲، دوازدهم) آیه: ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ﴾ بیانگر توحید در ربوبیت است.

در آیات زیر تأمل کنید و توضیح دهید هر یک از این آیات کدام‌یک از شواهد و نشانه‌های وجود اختیار در انسان را بیان می‌کند؟

۱- «قَدْ جَاءَكُمْ بَصٰٓئِرٌ مِّنْ رَّبِّكُمْ فَمَنْ اَبْصَرَ فَلِنَفْسِهٖ وَّ مَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا»: به راستی که دلایل روشن از جانب پروردگارتان به سوی شما آمده است. پس هر کس که بینا گشت، به سود خود اوست و هر کس کوردل گردد، به زیان خود اوست. این آیه بیانگر این است که خداوند، رهنمودها و دلایل روشن خود را برای ما انسان‌ها می‌فرستد و این انسان است که باید براساس تفکر و تصمیم با این رهنمودها مواجه شود. او هم می‌تواند این دلایل روشن را نادیده بگیرد و تصمیم به مخالفت و نادیده گرفتن آن‌ها بگیرد و هم می‌تواند با تفکر و تصمیم درست، دست به انتخاب صحیح زند و به نفع خویش گام بردارد. اشاره آیه به داشتن قدرت تفکر و تصمیم‌گیری نشانه‌ای از اختیار انسان است.

۲- «ذٰلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ اَيْدِيَكُمْ وَّ اَنَّ اللّٰهَ لَيْسَ بِظَلّٰمٍ لِّلْعٰبِدِ»: این [عقوبت]، به خاطر کردار پیشین شماست [و نیز به خاطر آن است که] خداوند هرگز به بندگان ستم نمی‌کند. این آیه، اشاره به این نکته دارد که انسان، مسئول اعمال خویش است و عذاب اخروی وی نتیجه اعمالی است که در دنیا انجام داده است. اشاره خداوند به این مطلب نشان از اختیار انسان است. زیرا اگر انسان اختیاری در انجام اعمال خود نداشت، یقیناً مسئول کردار خود نیز نبود و نباید به خاطر این رفتارها مجازات می‌شد.

سوره انعام، آیه ۱۰۴

قَدْ جَاءَكُمْ بَصٰٓئِرٌ مِّنْ رَّبِّكُمْ
بِهٖ رَاسِطِيْ كِهٖ دَلٰلِيْلِ رُوْشِنِ اَزْ جَانِبِ پُرُوْرْدِگَارَتَانِ بِهٖ سُوِيْ شَمَا اَمَدِهٖ اَسْت.
فَمَنْ اَبْصَرَ فَلِنَفْسِهٖ
پس هر کس که بینا گشت، به سود خود اوست
وَّ مَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا
و هر کس کوردل گردد، به زیان خود اوست.

قدرت تفکر و تصمیم‌گیری از نشانه‌های اختیار انسان

قَدْ جَاءَكُمْ بَصٰٓئِرٌ مِّنْ رَّبِّكُمْ:
نزول رهنمودها و دلایل روشن بر انسان

فَمَنْ اَبْصَرَ فَلِنَفْسِهٖ وَّ مَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا:
اختیار انسان در قبول یا رد آن‌ها

۱- **قَدْ جَاءَكُمْ بَصٰٓئِرٌ مِّنْ رَّبِّكُمْ:** این عبارت می‌گوید که رهنمودها و دلایل روشن الهی برای هدایت انسان به دست ما رسیده است، یعنی خداوند، انسان را هدایت کرده است و راه درست را به او نشان داده است: **ارزانی‌شدن یا نزول رهنمودها و دلایل روشن الهی بر انسان.**



- ۲- **فمن ابصر فلنفسه:** این عبارت، بیانگر اختیار انسان با قدرت تفکر و تصمیم در قبول این رهنمودهاست. سود ایمان و ثمره پذیرش دلایل روشن الهی به خود انسان برمی‌گردد و انسان‌ها در انتخاب راه آزادند. کسی که بصیرت دارد و چشم دل را بر رهنمودهای الهی باز می‌کند، خودش از ثمرات آن بهره می‌برد.
- ۳- **و من عمی فعلیها:** این عبارت نیز بیانگر اختیار انسان با قدرت تفکر و تصمیم در رد این دلایل روشن است. زیان کفر و نافرمانی از خداوند، به خود انسان برمی‌گردد. کسی که چشم دل را بر روی حقیقت می‌بندد، کور است و خودش زیان می‌بیند.
- ۴- **ارتباط مفهومی:** این آیه با آیه: ﴿إنا هدیناه السبیل اما شاکراً و اما کفوراً﴾ ارتباط دارد و هر دو بیانگر اختیار انسان در قبول یا رد هدایت الهی است. هم‌چنین با آیه: ﴿ذک بما قدّمتم ایدیکم﴾ نیز مرتبط است و هر دو بیانگر اختیار انسان در ساختن سرنوشت خویش است.
- ۵- **نکته ترکیبی:** (درس ۲. دوازدهم) نزول دلایل روشن بر انسان و عبارت: ﴿من ربکم﴾ در این آیه، هر دو بیانگر توحید در ربوبیت است. هم‌چنین عبارت: ﴿فمن ابصر فلنفسه و من عمی فعلیها﴾ با عبارت ﴿هل یتوی الاعمی و البصیر﴾ ارتباط دارد و در هر دو، کسی که دل خود را بر حقیقت ببندد، کور و هر کس چشم دل را بر حقیقت باز بگذارد، بینا نامیده شده است.

سوره آل عمران، آیه ۱۸۲

ذَٰلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيكُمْ
عَلت آتش دوزخ، گناهان اختیاری انسان

وَ أَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ
ظلم نکردن خدا به بندگان

ذَٰلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيكُمْ
این [عقوبت]، به خاطر کردار پیشین شماست.
وَ أَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ
او نیز به خاطر آن است که [خداوند هرگز به بندگان ستم نمی‌کند].

مسئولیت‌پذیری از نشانه‌های اختیار انسان

- ۱- **ذَٰلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيكُمْ:** انسان مختار است و به همین جهت مسئول اعمالش است. کیفر و عقوبت الهی، براساس اعمال اختیاری و آگاهانه انسان در دنیاست: **مسئولیت‌پذیری انسان**
- ۲- **وَ أَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ:** کیفرهای الهی، ظلم خدا بر انسان نیست، زیرا خداوند عادل است و به کسی ظلم نمی‌کند، بلکه ظلم انسان بر خود با انجام گناه در دنیاست.
- ۳- **رابطه علت و معلولی:** از کلمه «به خاطر» می‌فهمیم: ارتکاب گناهان اختیاری در دنیا و ظلم نکردن خدا به بندگان: علت و گرفتاری به عقوبت الهی در قیامت: معلول و نتیجه آن است.
- ۴- **ارتباط مفهومی:** این آیه با دو آیه قبل، یعنی ﴿إنا هدیناه السبیل اما شاکراً و اما کفوراً﴾ و ﴿فمن ابصر فلنفسه و من عمی فعلیها﴾ هم‌مفهوم است و هر سه به اختیار انسان اشاره دارند.
- ۵- **نکته ترکیبی (۱):** (درس ۴. دهم) این آیه که به ظلم نکردن خداوند اشاره دارد، بیانگر ضرورت معاد براساس عدل الهی است و با آیه: ﴿ام نجعل الذین آمنوا و عملوا الصالحات کالمفسدین فی الارض﴾ ارتباط دارد.
- ۶- **نکته ترکیبی (۲):** (درس ۶. دهم) آیه: ﴿ان الذین یأکلون اموال الیتامی ظلماً ائماً یأکلون فی بطونهم ناراً و سیصلون سعیراً﴾ نیز، گرفتاری به آتش جهنم را نتیجه گناه خوردن مال یتیم از روی ظلم در دنیا بیان کرده است.
- ۷- **نکته ترکیبی (۳):** (درس ۶. دوازدهم) مطابق با سنت الهی میان عمل و کیفر تناسب وجود دارد و خداوند به کسی ظلم نمی‌کند. مفهوم این آیه با آیه: ﴿من جاء بالسئته فلا یجزی الا مثلها و هم لا یظلمون﴾ تناسب دارد.
- هم‌چنین در آیه: ﴿و لکن کذبوا فاخذناهم بما کانوا یکسبون﴾ نیز گرفتاری جامعه نتیجه گناهان مستمر اختیاری افراد جامعه بیان شده است.

قانونمندی جهان، زمینه‌ساز شکوفایی اختیار

تبیین نسبت اختیار با قوانین حاکم بر هستی و تدبیر خداوند

- خداوند، قدرت اختیار و اراده را به ما عطا کرده و از ما خواسته است با استفاده از آن، برای زندگی خود برنامه‌ریزی کنیم و در مسیر رشد و کمال تا آن‌جا پیش برویم که جز خداوند، کسی به عظمت آن آگاه نیست.

سؤال ممکن است در این‌جا این سؤال به ذهن برسد که ما در جهانی زندگی می‌کنیم که خداوند امور آن را تدبیر می‌کند و قوانین مشخصی را بر آن حاکم کرده و جهان هستی مطابق با آن قوانین عمل می‌کند و به پیش می‌رود، به عبارت دیگر، ما در جهانی زندگی می‌کنیم که قدر و قضای الهی بر آن حاکم است (قانونمند است)؛ پس در این صورت، آیا قدر و قضای الهی مانع اختیار نیست؟

قدر و قضای الهی

- قبل از پاسخ به سؤال قبل، لازم است این دو اصطلاح قرآنی، یعنی «قدر» و «قضا» را بیشتر بشناسیم و در معنا و مفهوم آن‌ها عمیق‌تر تأمل کنیم.
- مفهوم «قدر» و «تقدیر»**
- «قدر» و «قدر» به معنای «اندازه» است.
- «تقدیر» به معنای «اندازه گرفتن» است.
- مخلوقات جهان، از آن جهت که خدای متعال با علم خود، اندازه، حدود، ویژگی، موقعیت مکانی و زمانی آن‌ها را تعیین می‌کند، به تقدیر الهی وابسته هستند.

مفهوم «قضا»

- «قضا» نیز به معنای «به انجام رساندن»؛ «پایان دادن»، «حکم کردن» و «حتمیت بخشیدن» است.
- مخلوقات جهان، از آن جهت که با فرمان، حکم و اراده الهی ایجاد می‌شوند، به قضای الهی وابسته‌اند.

مفهوم قضا و قدری بودن جهان

■ پس این که می‌گوییم قدر و قضای الهی بر جهان حاکم است، به این معناست که نقشه جهان با همه موجودات و ریزه کاری‌ها و ویژگی‌ها و قانون‌هایش از آن خدا و از علم خداست (قدر) و اجرا و پیاده کردن آن نیز به اراده خداست (قضا). به همین دلیل، نه در نقشه جهان (قدر) نقصی هست و نه در اجرا و پیاده کردن آن (قضا).

اعتقاد به قضا و تقدیر الهی، مبنای کار و فعالیت اختیاری انسان

- حال با توجه به معنای قدر و قضا، اگر وضع جهان غیر از این بود، یعنی تحت نظام قدر و قضای الهی قرار نداشت (قانونمند نبود)، آیا می‌توانستیم با همین اطمینان خاطر که اکنون داریم با اختیار خود، دست به انتخاب زده و در این جهان کار و فعالیت کنیم؟
- از این رو فقط با زندگی در یک جهان قانونمند است که امکان بهره‌مندی از اختیار و انتخاب وجود دارد، زیرا اگر وقایع جهان قانونمند نبود و همه چیز اتفاقی رخ می‌داد، انسان نمی‌دانست باید دست به چه انتخابی بزند.
- آبی که برای رفع تشنگی می‌نوشیم، به سبب اعتماد به همین تقدیر و قضاست، یعنی می‌دانیم که خداوند آب را با این ویژگی‌ها آفریده که سبب رفع تشنگی می‌شود.
- اما اگر کسی این تقدیرها را نبیند و نظم فعلی جهان را یک اتفاق از میان میلیاردها اتفاق ممکن دیگر بداند، اگر واقعاً بخواد همین نگاه را مبنای عمل خود در زندگی قرار دهد، چه خواهد کرد؟ آیا امکان استفاده از اختیار را در چنین جهانی خواهد داشت؟

۱- توضیح

این قسمت ناظر بر یک مسئله مهم در مبحث اختیار انسان است. آن مسئله این است که در دایره اعتقاد به خدا و قضا و قدر الهی، اختیار انسان چگونه توجیه پذیر است.

برای فهم درست پاسخ، به توضیح مفهوم «قضا» و «قدر» الهی و رابطه آن با صفات خداوند پرداخته است. همین اعتماد به قضا و قدر الهی موجب فهم درست جهان و فعالیت آگاهانه انسان برای پیشرفت می‌شود.

۲- کلیدواژه

تمامی واژه‌هایی که در هر یک از کلیدواژه‌ها آمده، بر آن مفهوم دلالت دارد. **تقدیر:** تعیین اندازه، حدود، طول و عرض، حجم، ویژگی، کیفیت، موقعیت مکانی و زمانی، کلیه روابط میان موجودات، نقشه جهان با همه موجودات و ریزه کاری‌ها، قانونمندی، نظام تعیین شده میان موجودات

رابطه تقدیر با صفات الهی: تقدیر، برخاسته از علم و حکمت خداست. **قضا:** به انجام رساندن، پایان دادن، حکم کردن، حتمیت بخشیدن، ایجاد شدن، اجرا و پیاده کردن، بنانهادن ساختمان هستی، خلق کردن، تأییدگذاری در نظام آفرینش، وساطت اسباب و فرشتگان و کارگزاری آنان در محدوده تعیین شده از جانب خداوند.

رابطه قضا با صفات الهی: قضا برخاسته از قدرت، اراده، حکم، فرمان و مشیت خداوند است.

۳- رابطه علت و معلولی

از کلمه «به همین دلیل» می‌فهمیم که: تقدیر و قضای جهان به علم و اراده الهی: علت و نبود نقص در نقشه جهان (تقدیر) و اجرا و پیاده کردن آن (قضا): معلول و نتیجه آن است.

هم‌چنین از کلمه «به سبب» می‌فهمیم که: اعتماد به تقدیر و قضای الهی: علت و انجام کار و فعالیت در جهان: معلول و نتیجه آن است.

اصلاح یک پندار

قضا و قدر الهی، عامل حرکت اختیاری انسان

- برخی که می‌پندارند قدر و قضای الهی با اختیار انسان ناسازگار است و تصور می‌کنند تقدیر، چیزی غیر قانونمندی جهان و نظم در آن است که وقتی به حادثه‌ای تعلق گرفت، هر قانونی را لغو و هر نظمی را بر هم می‌زند؛ در حالی که دیدیم معنای قدر و قضای الهی این است که هر چیزی مهندسی و قاعده خاص خود را دارد و تمام جهان براساس قواعدی بنا شده است و این قواعد، توسط انسان قابل یافتن و بهره‌گیری است؛ پس بدون پذیرش قدر و قضای الهی هیچ نظمی برقرار نمی‌شود و هیچ زمینه‌ای برای کار اختیاری پدید نمی‌آید.

از کلمه «زیرا» نیز می‌فهمیم که: قانونمندی وقایع جهان: علت و امکان بهره‌مندی انسان از اختیار و انتخاب خود: معلول و نتیجه آن است.

۴- نکته ترکیبی

آیات سایر دروس که به تقدیر و قضای الهی اشاره دارد، عبارت‌اند از:

(درس ۱-دهم) ﴿و ما خلقنا السماوات و الارض﴾ - ﴿ما خلقناهما الا

بالحق﴾ - ﴿ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون﴾ قضا

(درس ۲-دهم) ﴿و نفس و ما سواها﴾ تقدیر

﴿فالمهما فجورها و تقواها﴾ قضا

(درس ۴-دهم) ﴿ليجمعنكم الي يوم القيامة﴾ قضا

زنده شدن مردگان پس از پوسیده شدن جسم: قضا

(درس ۶-دهم) ﴿و ان عليكم لحافظين﴾ کراماً کاتبین﴾ تقدیر

﴿قالو انطقنا الله الذي انطق كل شيء﴾ قضا

(درس ۳-یازدهم) ﴿و السماء بنيناها بايد و انا لموسعون﴾ تقدیر

«خداوند آسمان‌ها را با ستون‌هایی که برای شما دیدنی نیستند، برپا

داشته است»: قضا

(درس ۵-یازدهم) ﴿انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت...﴾ قضا

(درس ۹-یازدهم) ﴿ذلك بان الله لم يك مغتيراً نعمة انعمها على قوم...﴾ قضا

(درس ۱۲-یازدهم) ﴿و من آیاته ان خلق لكم من انفسكم ازواجاً﴾ قضا

﴿جعل بينكم مودة و رحمة﴾ تقدیر

﴿و الله جعل لكم من انفسكم ازواجاً﴾ قضا

(درس ۱-دوازدهم) ﴿كل يوم هو في شأن﴾ قضا

(درس ۲-دوازدهم) ﴿قل الله خالق كل شيء﴾ قضا

(درس ۶-دوازدهم) ﴿لفتحننا عليهم بركات من السماء و الارض﴾ قضا

﴿لنهديتهم سبلنا﴾ قضا



برداشت اشتباه: جبری انگاری قضای الهی و نفی اختیار

- روزی امیر مؤمنان علی (ع) با جمعی از یاران خود در سایه دیواری نشست بود. آن حضرت متوجه کجی و سستی دیوار شد و برای این که مبدا دیوار روی او و یاران خراب شود، از آن جا برخاست و زیر سایه دیوار دیگری نشست. یکی از یاران به آن حضرت گفت: «یا امیرالمؤمنین، آیا از قضای الهی می گریزی؟» امام فرمود: «از قضای الهی به قدر الهی پناه می برم.»
- برداشت نابه جای آن شخص چنین بود که ما هیچ اختیاری در تعیین سرنوشت خود نداریم و اگر قرار باشد دیوار بر سرمان خراب شود، حتماً این اتفاق خواهد افتاد و ما نمی توانیم تغییری در آن ایجاد کنیم؛ بنابراین حرکت و تغییر مکان و تصمیم گیری براساس دستور عقل بی فایده است.

برداشت درست: تقدیر و قضای الهی همان نظام حاکم بر جهان

- امیرالمؤمنین (ع) با رفتار و سپس گفتار خود، نگرش صحیح خود از قدر و قضای الهی را نشان داد و به آن شخص و دیگران آموخت که اعتقاد به قضا و قدر، نه تنها مانع تحرک و عمل انسان نیست، بلکه عامل و زمینه ساز آن است. در واقع، فرو ریختن دیوار سست و کج یک قضای الهی است، اما این قضا متناسب با ویژگی و تقدیر خاص آن دیوار، یعنی سستی و کجی آن است. اما اگر دیوار، ویژگی دیگری داشته باشد، مثلاً محکم باشد، قضای دیگری را به دنبال خواهد آورد و انسانی که این دو تقدیر و این دو قضا را بشناسد، تصمیم می گیرد و دست به انتخاب مناسب تر می زند.
- بنابراین، جهان آفرینش مجموعه ای از قدرها و قضاها الهی است و این انسان است که باید با تشخیص درست، بهترین ها را انتخاب کند.

۱- توضیح

سخن امیر مؤمنان در پاسخ به یکی از اصحاب خود، قانونمندی قابل اعتماد و امکان حرکت اختیاری را آشکارتر می سازد. برداشت آن مرد این بود که انسان، اختیار ندارد و قضای الهی ارتباطی با نظام این جهان ندارد و اگر قضای الهی بر مرگ کسی باشد، چه پای دیوار خراب و چه پای دیوار محکم، می میرد. امیر مؤمنان به آن مرد آموخت که قضای الهی برای دیواری با این تقدیر که سست باشد و برای دیواری با آن تقدیر که مستحکم باشد، متفاوت است. برداشت غلط آن شخص، هر حرکت اختیاری از جانب انسان را بیهوده و عبث می شمرد، اما

عمل امیر مؤمنان به ما می آموزد که اگر اندیشه درستى درباره قضا و قدر داشته باشیم، می توانیم اهل تحرک و پویایی باشیم.

۲- پیام حدیث

سخن امیر مؤمنان که فرمود: «از قضای الهی به قدر الهی پناه می برم» بیانگر آن است که هر تقدیر خاص، قضای خاص خود را به دنبال دارد. به عبارت دیگر، هر قضای الهی، متناسب با تقدیر و ویژگی آن موجود است. به همین علت، قضای دیوار کج، ریختن و قضای دیوار مستحکم ایمن بودن است.

اختیار انسان، یک تقدیر الهی

امصادیقی از تقدیرات الهی

- وقتی از تقدیر جهان به وسیله خداوند سخن می گوئیم، منظورمان فقط تعیین طول، عرض، حجم، مکان و زمان یک موجود نیست. این ها ساده ترین و آشکارترین تقدیرها هستند. تقدیر الهی شامل همه ویژگی ها، کیفیت ها، کمیت ها و کلیه روابط میان موجودات می شود.
- این که آب در چه درجه ای به جوش آید، تعداد الکترون های هر عنصر چه تعداد باشد، ماه در کدام مدار دور زمین گردش کند، بدن انسان از چه اعضای تشکیل شود، هر عضوی کدام کار را انجام دهد، همه و همه از تقدیرات الهی است.

اختیار انسان به عنوان مصداقی از تقدیر الهی

- یکی از تقدیرات الهی برای انسان این است که او دارای اختیار باشد؛ یعنی همان طور که مثلاً به آب، ویژگی مایع بودن را داده است، به انسان نیز ویژگی مختار بودن را عطا کرده است.
- به تعبیر دیگر، خداوند این گونه تقدیر کرده که انسان کارهایش را «با اختیار انجام دهد» و کسی نمی تواند از اختیار، که ویژگی ذاتی اوست، فرار کند؛ حتی اگر بخواهد آن را انکار کند و از آن فرار کند؛ باز هم این کار اختیاری بوده، چون همین کار را با خواست و اراده خود انجام داده است.

توضیح

این بخش توضیح می دهد که نه تنها اختیار با تقدیر در تقابل نیست، بلکه خداوند چنین تقدیر کرده است که انسان کارهای خود را با اختیار انجام دهد. البته همان طور که در ابتدای درس گفتیم، همه کارهای انسان اختیاری نیست مثل تپش قلب؛ اما آن دسته از کارها که

انسان با تفکر و اندیشه خود انجام می دهد، فعل اختیاری محسوب می شود و خداوند این تقدیر را برای انسان قرار داده است که به اختیار خود چنین کارهایی را انجام دهد. در نتیجه داشتن اختیار انسان، خود یک تقدیر الهی است.

رابطه اختیار انسان با اراده خداوند

طرح مسئله

- در این جا ما با یک مسأله دیگر روبه رو می شویم. آن مسئله این است که: چگونه می توان هم به قضا و اراده الهی اعتقاد داشت و گفت همه کارها با اراده خداوند انجام می شود و هم انسان را موجودی مختار دانست که کارهایش را با اراده خودش انجام می دهد؟ برای پاسخ به این پرسش لازم است ابتدا با علت هایی که در پیدایش یک پدیده دخالت دارند، بیشتر آشنا شویم. این علل، بر دو دسته اند: **۱** علل عرضی، **۲** علل طولی.

۱- علل عرضی

■ در پیدایش هر پدیده ممکن است چند عامل به صورت مجموعه و با همکاری یکدیگر مشارکت کنند.
مثال برای رویش یک گل، مجموعه‌ای از باغبان، خاک، آب، نور و حرارت دست به دست هم می‌دهند و با مشارکت یکدیگر گل را پدید می‌آورند. یا مثلاً دو نفر دسته‌های یک گلدان بزرگ را می‌گیرند و جابه‌جا می‌کنند. هر کدام از این دو نفر نیروی خاصی را وارد می‌کند که باعث جابه‌جایی گلدان می‌شود. در هر دو مثال، هر یک از این عوامل و عناصر اثر خاصی را، مستقل از دیگری، اعمال می‌کند تا گل بروید یا گلدان جابه‌جا شود.
 این‌گونه علل را «علل عرضی» می‌گویند. در علل عرضی، هر عامل به طور مستقیم نقش خاصی را بر عهده دارد که با نقش دیگری متفاوت است.

۲- علل طولی

■ گاهی تأثیر چند عامل در پیدایش یک پدیده این‌گونه است که یک عامل در عامل دوم اثر می‌گذارد و عامل دوم در عامل سوم تأثیر می‌کند تا اثر عامل اول را به معلول منتقل کند.

مثال به هنگام نوشتن، چند عامل، در طول هم در انجام این کار دخالت دارند:

اول: نفس یا روح که اراده نوشتن می‌کند؛
دوم: ساختار عصبی بدن که با اراده نفس، موجب حرکت دستمان می‌شود؛
سوم: دست که قلم را به حرکت درمی‌آورد؛
چهارم: قلم که با حرکت خود در صفحه، جملات را می‌نگارد.

کل کار نوشتن را به هر یک از این عوامل می‌توان نسبت داد؛ بدین معنا که اگر هر یک از این عوامل نبود، عمل نوشتن ممکن نمی‌شد، اما هر علتی، به ترتیب، علت بودن خود را از عامل بالاتر می‌گیرد. قلم می‌نویسد، اما حرکت آن ناشی از حرکت دست است. حرکت دست به نوبه خود محصول کار دستگاه عصبی است. این کار هم ناشی از اراده‌ای است که برآمده از نفس شماس است. این علت‌ها را «علل طولی» می‌گویند.

■ در مثال پرورش گل، علت‌ها در عرض هم قرار داشتند (در یک ردیف و هر کدام مستقل از دیگری بودند)، اما در مثال نوشتن، علت‌ها در طول هم هستند (در یک ردیف و مستقل نیستند بلکه نسبت به هم در مرتبه‌های مختلف قرار دارند و علت مرتبه پایین، وابسته به علت مرتبه بالایی است).

اختیار انسان، در طول اراده خداوند

■ وجود اختیار و اراده در انسان ناشی از اراده الهی و خواست خداست. به عبارت دیگر، خداوند اراده کرده است که انسان موجودی مختار و دارای اراده باشد. در فعل اختیاری، تا زمانی که ما اراده کاری را نکرده‌ایم، آن کار انجام نمی‌گیرد، در عین حال، وجود ما، اراده ما و عملی که از ما سر می‌زند، همگی وابسته به اراده خداوند است؛ یعنی اراده انسان در طول اراده خداست و با آن منافات ندارد.

۱- توضیح

در بحث علل عرضی این موارد مطرح می‌شود: وجود چند عامل به صورت مجموعه و با همکاری یکدیگر - اعمال اثر خاصی مستقل از سایر عوامل - نقش متفاوت و مستقیم هر عامل - عدم امکان انجام یک کار به صورت تنهایی - در یک ردیف بودن عوامل
 در بحث علل طولی این موارد مطرح می‌شود: تأثیر عوامل به صورت تقدم و تأخر - دخالت چند عامل با یکدیگر نه به صورت مستقل - امکان نسبت دادن عمل به هر یک از عوامل - علت بودن هر علت از عامل بالاتر - در مرتبه‌های مختلف قراردادن علت‌ها

■ با توجه به ویژگی‌های علل طولی، اراده ما در طول اراده خداست و زمانی که انسان به فعل اختیاری دست می‌زند، در عین این که خودش آن عمل را انجام داده، چون اراده‌اش وابسته به خداست، می‌گوییم آن فعل نیز کار خداست.

۲- کلیدواژه

علل طولی: علت‌هایی که به صورت مقدم و مؤخر و در مرتبه‌های مختلف، اثر خود را به علت بعدی منتقل می‌کنند تا معلول ایجاد شود.
علل عرضی: علت‌هایی که در یک ردیف و در کنار هم، اثر خود را با همکاری سایر عوامل اعمال می‌کنند تا معلول ایجاد شود.

با این که قضای الهی و اختیار، هر دو، چه در موفقیت‌ها و چه در شکست‌های انسان نقش دارند، چرا برخی انسان‌ها می‌کوشند شکست‌های خود را به قضا و قدر الهی نسبت دهند؟
 این افراد به دنبال توجیه شکست‌ها و کم‌کاری‌های خود هستند و نمی‌خواهند نقش خود را در امور نامطلوب و شکست‌ها بررسی کنند. در حالی که انسان‌ها در شکست‌ها و موفقیت‌هایشان هر دو به یک میزان اختیار دارند.

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

گنگور

۲۴۲- با توجه به این که اختیار انسان، یک تقدیر الهی است، کدام مورد رابطه میان اختیار و تقدیر الهی را به درستی بیان می‌کند؟

(فارج از کشور انسانی ۹۸)

- ۱) تقدیرات، هم لازمه کار اختیاری انسان و هم جهت‌دهنده و محدودکننده آن است.
- ۲) اختیار انسان با تقدیر الهی به طور کامل سازگار است اما با قضای الهی ناسازگار می‌باشد.
- ۳) خداوند اختیار را ویژگی ذاتی آدمی قرار داده است و هیچ چیز نمی‌تواند مانع اراده او شود.
- ۴) خداوند، قدرت اختیار و اراده به انسان عطا کرده است، فقط مشیت الهی مانع از اختیار انسان است.

۲۴۳- اگر بگویم «کار انسان، هم به اراده و اختیار او وابسته است و هم به اراده خداوند» سخن گفته‌ایم که مبنای آن، قبول علل است و حاکی از الهی می‌باشد.

(تهری ۹۸)

(۱) درستی - طولی - تقدیر (۲) نادرستی - طولی - قضای (۳) درستی - عرضی - تقدیر (۴) نادرستی - عرضی - قضای

(تهری ۹۸)

۲۴۴- ویژگی ذاتی انسان کدام است و این ویژگی با اراده خداوند چه رابطه‌ای دارد؟

- (۱) کارهایش را با خواست و اراده خود انجام می‌دهد - در طول اراده الهی است و تحت اختیار انسان است.
- (۲) بر مبنای تقدیر الهی او در همه امور زندگی مختار است - در طول اراده الهی است و تحت اختیار انسان است.
- (۳) بر مبنای تقدیر الهی او در همه امور زندگی مختار است - توسط خداوند تعیین شده و توسط انسان قابل تغییر نیست.
- (۴) کارهایش را با خواست و اراده خود انجام می‌دهد - توسط خداوند تعیین شده و توسط انسان قابل تغییر نیست.

(انسانی ۹۸ با تغییر)

۲۴۵- مفهوم کدام آیه شریفه به انسان این اطمینان را می‌دهد که می‌تواند از قدرت اختیار خود استفاده کند؟

- (۱) ﴿وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾ (۲) ﴿قُلْ إِنَّمَا أَعْطَكُم بَوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَىٰ خِزْفٍ﴾ (۳) ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِلَّا شَاكِرًا وَإِنَّا كَفُورًا﴾ (۴) ﴿وَ أَنْ أَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ﴾

(زبان ۹۸)

۲۴۶- با توجه به عبارت شریف ﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ﴾ تقدیر الهی برای انسان چیست؟

- (۱) مشیت الهی، زمینه‌ساز شکوفایی اختیار انسان است.
- (۲) مسئولیت‌پذیری، مبنای عهدها و پیمان‌های ماست.
- (۳) بصیرت الهی، مانع از گمراهی و ضلالت انسان است.
- (۴) رضایت و ندامت، نشانگر قدرت انسان بر انجام کار است.

۲۴۷- کدام آیه شریفه عقیده «جبرگرایی» را نفی می‌کند و زندگی در جهان قانونمند، این امکان را به ما می‌دهد تا به هدف‌های خود برسیم. این قانونمندی چه نامیده شده است؟

(ترکیبی ریاضی ۹۶ و ۹۷ با تغییر)

- (۱) ﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا﴾ - قضا و قدر الهی
- (۲) ﴿أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ﴾ - قضا و قدر الهی
- (۳) ﴿أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ﴾ - نظام علی و معلولی
- (۴) ﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا﴾ - نظام علی و معلولی

(هنر ۹۷)

۲۴۸- حضرت علی (ع) با بیان جمله «از قضای الهی به قدر الهی پناه می‌برم» چه مطلبی را به یارانشان آموزش دادند؟

- (۱) نشستن در سایه دیوار مستحکم و پایدار از تقدیر الهی نشأت گرفته است.
- (۲) تمام حرکات حضرت و تصمیم‌گیری‌های او براساس دستور عقل تحقق می‌یابد.
- (۳) نگرش صحیح به قوانین زندگی انسان، عامل و زمینه‌ساز تحرک و عمل انسان است.
- (۴) فروریختن دیوار کج، یک قانون و تقدیر الهی است که با شرایط خاص تغییر می‌کند.

(هنر ۹۵ با تغییر)

۲۴۹- اختیار در انسان چگونه امری است و کدام آیه شریفه حاکی از آن است؟

- (۱) مشهود و انکارناپذیر - ﴿وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾
- (۲) قضای الهی و تغییرناپذیر - ﴿وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾
- (۳) مشهود و انکارناپذیر - ﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا﴾
- (۴) قضای الهی و تغییرناپذیر - ﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا﴾

(زبان ۹۵ با تغییر)

۲۵۰- با توجه به این که دلایل روشن الهی برای هدایت انسان به دست ما رسیده، ثمره اطاعت و زبان نافرمانی کدام است؟

- (۱) ﴿فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا﴾ (۲) ﴿ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيَكُمْ﴾ (۳) ﴿إِنَّا شَاكِرًا وَإِنَّا كَفُورًا﴾ (۴) ﴿خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ﴾

(ریاضی ۹۴)

۲۵۱- از آیه شریفه «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِنَّا شَاكِرًا وَإِنَّا كَفُورًا» کدام مفهوم، دریافت می‌شود؟

- (۱) فلسفه نبوت، نشان‌دادن راه به انسان است و شکرگزاری یا کفران به وسیله قدرت اختیار انسان صورت می‌گیرد.
- (۲) هدایت انسان‌ها به وسیله خداوند و از طریق پیامبران صورت می‌گیرد و نداشتن اختیار برای انسان امر عادی است.
- (۳) فلسفه نبوت، نشان‌دادن راه به انسان است و خداوند به وسیله پیامبران راه شکرگزاری را تبیین می‌کند.
- (۴) هدایت انسان‌ها به وسیله پیامبران صورت می‌گیرد و آن‌ها شکرگزاری و کفران را به انسان نشان می‌دهند.

(تهری ۹۴)

۲۵۲- کدام عبارت بیانگر فواید و ثمرات زندگی در یک جهان قانونمند است؟

- (۱) برطرف نمودن نیازها - پیمودن پله‌های کمال - به فعلیت رساندن استعدادها (۲) گریختن از قضای الهی - حرکت بر مبنای قدر الهی - بی‌فایده بودن تصمیم‌گیری
- (۳) اعتقاد به چیزی ورای نظم - زمینه‌سازی برای اختیار - انجام امور به دست خدا (۴) اعتقاد به قضا و قدر - اعتماد به نفس - مقابله با پندارهای ویرانگر

۲۵۳- تعیین اندازه، ویژگی‌ها و نقشه پدیده‌ها چه نام دارد و برخاسته از چیست و موجودات جهان از آن جهت که با حکم و فرمان و اراده الهی ایجاد می‌شوند، مربوط به کدام مورد هستند؟

(انسانی ۹۴ و فارح از کشور ۸۷ با تغییر)

- (۱) تقدیر - علم الهی - قضای الهی (۲) قضا - علم الهی - قضای الهی (۳) تقدیر - قدرت الهی - تقدیر الهی (۴) قضا - قدرت الهی - تقدیر الهی

۲۵۴- موجودات جهان از آن جهت که با حکم و فرمان و اراده الهی ایجاد می‌شوند و حتمیت می‌یابند، تسلیم چه چیزی هستند و موجودات جهان از آن جهت که خداوند متعال، موقعیت مکانی و زمانی آن‌ها را تعیین می‌کند، وابسته به الهی هستند.

(ترکیبی هنر ۹۴، انسانی ۹۱ و زبان ۸۷ با تغییر)

- (۱) تقدیر الهی - تقدیر الهی (۲) قضای الهی - تقدیر الهی (۳) تقدیر الهی - قضای (۴) قضای الهی - قضای

- ۲۵۵- اگر از ما بپرسند: «صحنهٔ بروز و ظهور اختیار انسان، کجا است؟»، می‌گوییم: آن‌جا است که
 (۱) باطل با تمام آلودگی‌های فطرت‌آزارش خودنمایی کند.
 (۲) قضا و قدرهای متفاوت، او را احاطه کرده باشند.
 (۳) جایگاه خود را در نظام قانونمند آفرینش، درک کرده باشد.
 (۴) حق با همهٔ زیبایی‌های فطرت‌پسندش به او عرضه شود.
- ۲۵۶- «جوشش آب در درجهٔ مشخص» و «برخورداری انسان از اختیار»، به ترتیب از مصادیق و الهی است که امر دوم برخاسته از علل است.
 (۱) تقدیر - تقدیر - طولی (۲) تقدیر - قضا - طولی (۳) قضا - تقدیر - عرضی (۴) قضا - قضا - عرضی (تجربی ۹۳)
- ۲۵۷- تأثیرگذاری پدیده‌ها در نظام تکوین» و «وساطت فرشتگان و کارگزاری آنان در محدودهٔ تعیین‌شده از سوی خداوند»، به ترتیب از مظاهر و الهی‌اند.
 (۱) قدر - قضا (۲) قضا - قضا (۳) قضا - قدر (۴) قدر - قدر (انسانی ۹۳ با تغییر)
- ۲۵۸- هرگاه فرورویختن دیوار کج را بر انسانی که زیر آن نشسته و متوجه کجی و سستی آن است، یک قضای الهی بدانیم، فرار از این قضا، امری است که پیام آیهٔ شریفهٔ حاکی از این حقیقت است.
 (۱) ناممکن - ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾
 (۲) ممکن - ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾
 (۳) ناممکن - ﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ﴾
 (۴) ممکن - ﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ﴾
- ۲۵۹- اگر بگوییم: «نه در نقشهٔ جهان، نقصی هست و نه در اجرا و پیاده کردن آن» به ترتیب بر فهم درست و تأکید نموده‌ایم.
 (۱) قضا - قضا (۲) قدر - قضا (۳) قدر - قدر (۴) قضا - قدر (ریاضی ۹۲ با تغییر)
- ۲۶۰- اعطای ویژگی «مختاربودن» به انسان و «مابعدبودن» به آب، بیانگر خداوند است و خروج هر یک از این دایره، به ترتیب و است.
 (۱) تقدیر - ممکن - ناممکن (۲) قضای - ممکن - ممکن (۳) تقدیر - ناممکن - ناممکن (۴) قضای - ناممکن - ممکن (تجربی ۹۲)
- ۲۶۱- از دقت در پیام آیهٔ شریفهٔ «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» مفهوم می‌گردد که
 (۱) انسان، در چهارچوب قوانین حاکم بر هستی، حق انتخاب دارد
 (۲) هدایت به راه کمال، خواه‌ناخواه توأم با فراز و نشیب‌ها است
 (۳) قانون لطف، ایجاب می‌کند که هدایت انسان را که هرگز در آن تخلفی نخواهد بود
 (۴) خدای متعال، با ارسال رسولان و انزال کتب آسمانی، راه را به انسان نشان داد
- ۲۶۲- فرورویختن دیوار کج، یک الهی است. این متناسب با آن دیوار، یعنی کجی آن است. و حضرت علی علیه السلام در پاسخ آن فرد فرمودند: از الهی به الهی پناه می‌برم.
 (۱) تقدیر - تقدیر - قضای - قضا (۲) قضای - قضا - قضای - قدر
 (۳) قضای - قضا - تقدیر - خاص - تقدیر - قضای
 (۴) تقدیر - تقدیر - تقدیر - قضای - تقدیر - قضای
- ۲۶۳- از دقت در آیهٔ شریفهٔ «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» مفهوم می‌گردد که است و ویژگی اختیار انسان، الهی است.
 (۱) ارادهٔ انسان، در طول ارادهٔ خداوند - مقضی به قضای
 (۲) ارادهٔ انسان، در طول ارادهٔ خداوند - مقدر به تقدیر (فارج از کشور ۹۰ با کمی تغییر)
 (۳) ارادهٔ خداوند، متعلق به تکوین و تشریح - مقدر به تقدیر
 (۴) ارادهٔ خداوند، متعلق به تکوین و تشریح - مقضی به قضای
- ۲۶۴- اگر بگوییم: «پیاده کردن قوانین حاکم بر هستی به وسیلهٔ خداست.» مفهوم این جمله آن است که حوادث جهان، وابسته به الهی است و ارزانی شدن «دلایل روشن» مفهوم به دست آمده از آیهٔ می‌باشد.
 (۱) قضای الهی - ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾
 (۲) تقدیر الهی - ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾
 (۳) تقدیر الهی - ﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا﴾
 (۴) قضای الهی - ﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا﴾
- ۲۶۵- توسعهٔ فعالیت‌های اختیاری انسان معرفت به الهی است که برخاسته از است.
 (۱) متبوع - تقدیر - علم (۲) متبوع - قضای - اراده (۳) تابع - تقدیر - علم (۴) تابع - قضای - اراده (تجربی ۹۰ با کمی تغییر)
- ۲۶۶- رابطهٔ جاذبهٔ موجود میان اشیا از الهی است و از خداوند سرچشمه می‌گیرد.
 (۱) تقدیر - علم (۲) تقدیر - قدرت (۳) قضای - علم (۴) قضای - قدرت (انسانی ۹۰ با تغییر)
- ۲۶۷- نظام تعیین‌شده میان موجودات، الهی است و خلق و اجرای موجودات خداوند است و خاستگاه تقدیر او است.
 (۱) مقضی به قضای - مقدر به تقدیر - علم
 (۲) مقدر به قضای - مقضی به تقدیر - علم
 (۳) مقدر به تقدیر - مقضی به قضای - اراده و مشیت
 (۴) مقضی به قضای - مقدر به تقدیر - اراده و مشیت
- ۲۶۸- با توجه به توحید و مراتب آن، در فهم قضا و قدر الهی که قضا برخاسته از و قدر برخاسته از است، تکیه‌گاه می‌باشد.
 (۱) علم - اراده - قضا - تقدیر
 (۲) علم - اراده - علم - تقدیر
 (۳) اراده - علم - قضا - تقدیر
 (۴) اراده - علم - علم - تقدیر (فارج از کشور ۸۹ با تغییر)
- ۲۶۹- تعیین نقشهٔ پدیده‌ها با خداوند و تحقق آن با اوست که به ترتیب و رقم می‌خورد.
 (۱) علم - اراده - قضا - تقدیر (۲) اراده - علم - قضا - تقدیر (۳) علم - اراده - تقدیر - قضا (هنر ۸۹)
- ۲۷۰- در رابطهٔ ارادهٔ انسان با ارادهٔ خداوند کدام مطلب صحیح نیست؟
 (۱) وجود اختیار و اراده در انسان به علت ارادهٔ الهی و خواست خداوند است.
 (۲) ارادهٔ ما و عملی که از ما سر می‌زند همگی وابسته و در عرض ارادهٔ خداوند است.
 (۳) هر کاری که از روی ویژگی اختیار از انسان سر زند داخل در تقدیر الهی است.
 (۴) حوادث جهان و از جمله کارهای انسان تحت تدبیر و ارادهٔ خداوند و مظهری از قضا و قدر الهی است.



۲۷۱- «نزول دلایل روشن بر انسان» و «اختیار او» در قبول یا رد آن، از دقت در کدام آیه مفهوم می‌گردد؟

- (۱) ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾
 (۲) ﴿إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا﴾
 (۳) ﴿ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيَكُمْ وَإِنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ﴾
 (۴) ﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِّن رَّبِّكُمْ فَمَن أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَن عَمِيَٰ فَعَلَيْهَا﴾

۲۷۲- از آیه شریفه ﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِّن رَّبِّكُمْ...﴾ کدام مفهوم مستفاد نمی‌گردد؟

- (۱) با وجود روشن بودن اختیار، نشانه‌های فراوان آن را همواره در خود مشاهده می‌کنیم.
 (۲) اختیار، یک حقیقت عقلی است و هر کس آن را در خود می‌یابد و در عمل از قدرت اختیار خود بهره می‌برد.
 (۳) همین اختیار محدود ما مبنای تصمیم‌گیری‌های ما و تعیین‌کننده عاقبت و سرنوشت ماست.
 (۴) اختیار انسان امری مشهود و انکارناپذیر است و به معنای توانایی بر انجام یک کار و یا ترک آن است.

۲۷۳- بین نظام مقدر جهان و اراده و اختیار انسان رابطه حاکم است، به این معنی که می‌باشد.

- (۱) طولی - اراده انسان موخر از اراده خداوند
 (۲) عرضی - اراده انسان موخر از اراده خداوند
 (۳) طولی - انسان، همان را اراده می‌کند که مقدر او
 (۴) عرضی - انسان، همان را اراده می‌کند که مقدر او

۲۷۴- آن‌جا که یک عامل در عامل دوم تأثیر می‌گذارد تا اثرش را به معلولی منتقل کند و آن‌جا که عوامل گوناگون به صورت یک مجموعه همکاری دارند تا

- یک معلول محقق شود، به ترتیب، علل و علل محقق شده و مثال موافق با آن و می‌باشد.
 (۱) عرضی - طولی - رویش گل - نگارش
 (۲) عرضی - طولی - نگارش - رویش گل
 (۳) طولی - عرضی - رویش گل - نگارش
 (۴) طولی - عرضی - نگارش - رویش گل

تألیفی

۲۷۵- دو بیت زیر با کدام عبارت پیرامون اختیار انسان، تناسب مفهومی دارد؟

گفت کز چوب خدا این بنده‌اش می‌زند بر پشت دیگر بنده‌اش
 چوب حق و پشت و پهلو، آن او من غلام و آلت فرمان او

- (۱) بسیاری از امور، اختیاری نیست و ما در وقوع آن‌ها نقشی نداریم و آن‌ها را انتخاب نمی‌کنیم.
 (۲) با وجود روشن بودن اختیار، شواهدی برای استدلال آن را در بیرون از خود می‌یابیم.
 (۳) اختیار که معنای توانایی بر انجام یک کار و یا ترک آن است، یک حقیقت وجدانی و غیر قابل انکار است.
 (۴) میان حرکات اختیاری انسان با حرکات غیراختیاری او تفاوت اساسی وجود دارد که امری مشهود است.

۲۷۶- قرآن کریم چه علتی را برای ﴿وَإِنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ﴾ بیان کرده است؟

- (۱) هدایت او به راه رستگاری (۲) کردار نادرست پیشین (۳) نزول دلایل روشن الهی (۴) تخلف‌ناپذیری از قضا و قدر الهی

۲۷۷- آبی که برای رفع تشنگی می‌نوشیم، ریشه در فهم کدام مسئله دارد؟

- (۱) هر حادثه‌ای هدف معین و مشخصی دارد و از سر غفلت یا ندانم‌کاری رخ نمی‌دهد.
 (۲) خداوند هر یک از مخلوقات را با ویژگی‌ها و اندازه‌های خاص آفریده که سبب نتیجه معینی می‌شود.
 (۳) نظم فعلی جهان یک اتفاق از میان میلیاردها اتفاق دیگر ممکن است.
 (۴) ما در جهانی زندگی می‌کنیم که قدر و قضای الهی بر آن حاکم است و ما مختار نیستیم.

۲۷۸- در کدام یک از آیات شریفه به یک حقیقت وجدانی و بی‌نیاز از استدلال، اشاره شده است؟

- (۱) ﴿قُلْ مَن رَّبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾
 (۲) ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾
 (۳) ﴿إِنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ﴾
 (۴) ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾

۲۷۹- خداوند این‌گونه نموده که انسان کارهایش را با اختیار انجام دهد و هیچ‌کس نمی‌تواند از اختیار که ویژگی اوست، فرار کند، حتی

اگر بخواهد فرار کند، باز هم این یک کار اختیاری بوده است، چون

- (۱) تقدیر - عرضی - خداوند اراده کرده است که انسان موجودی مختار و دارای اراده باشد
 (۲) قضا - ذاتی - همین کار را با خواست و اراده خود انجام داده است
 (۳) تقدیر - ذاتی - همین کار را با خواست و اراده خود انجام داده است
 (۴) قضا - عرضی - خداوند اراده کرده است که انسان موجودی مختار و دارای اراده باشد

۲۸۰- اگر بخواهیم با بررسی علت‌هایی که در پیدایش یک پدیده دخالت دارند، کل یک عمل را به هر یک از عوامل نسبت دهیم، باید چه دیدگاهی در

خصوص آن عوامل داشته باشیم؟

- (۱) یک عامل در هر یک از عوامل بعدی اثر می‌گذارد تا اثر خود را به معلول منتقل کند.
 (۲) چند عامل به صورت مجموعه و با همکاری عوامل دیگر مشارکت می‌کنند.
 (۳) هر کدام از عوامل نیروی خاص و مستقل از دیگری وارد می‌کنند و نقشی متفاوت بر عهده دارند.
 (۴) هر علتی، علت بودن خود را از عامل بالاتر می‌گیرد تا به نخستین عامل می‌رسد.

۲۸۱- چرا امام علی علیه السلام فرمود: «از قضای الهی به قدر الهی پناه می‌برم»؟

- (۱) ﴿أَنَا هَدِيَانَا السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَّ إِمَّا كَفُورًا﴾
 (۲) ﴿وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَّ مَا فِي الْأَرْضِ﴾
 (۳) ﴿قُلْ غَيْرِ اللَّهِ اِبْغَىٰ رَبًّا وَّ هُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾
 (۴) ﴿إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَّ رَبِّكُمْ فَاعْبُدُوهُ﴾

۲۸۲- از آیه شریفه ﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَمَن أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَّ مَن عَمِيَ فَعَلَيْهَا﴾ کدام مفهوم دریافت می‌شود و ناظر بر کدام یک از شواهد اختیار است؟

- (۱) انسان به دلیل انسان بودنش، نمی‌تواند بدون دلایل روشن الهی، راه درست را تشخیص دهد - قدرت تفکر و تصمیم
 (۲) انسان به دلیل انسان بودنش، نمی‌تواند بدون دلایل روشن الهی، راه درست را تشخیص دهد - احساس رضایت یا پشیمانی
 (۳) یک قانون حاکم بر انسان، آن است که باید لوازم درخواست‌های خود را خواه‌ناخواه تحمل کند - احساس رضایت یا پشیمانی
 (۴) یک قانون حاکم بر انسان، آن است که باید لوازم درخواست‌های خود را خواه‌ناخواه تحمل کند - قدرت تفکر و تصمیم

۲۸۳- یکی از باران حضرت علی علیه السلام که به آن حضرت گفت: «یا امیرالمؤمنین، آیا از قضای الهی می‌گریزی؟» چگونه قضا و قدر الهی را دریافته بود؟

- (۱) فروریختن دیوار کج، یک تقدیر الهی است که متناسب با قضای خداوند صورت می‌گیرد.
 (۲) اعتقاد به قضا و قدر نه تنها مانع تحرک و عمل انسان است، بلکه متناسب با اختیار اوست.
 (۳) بدون پذیرش قدر و قضای الهی هیچ نظمی برقرار نمی‌شود ولی قضای الهی فقط با شرایط خاص تغییر می‌کند.
 (۴) ما هیچ اختیاری در تعیین سرنوشت خود نداریم و تقدیر چیزی ورای قانونمندی و نظم است.

۲۸۴- وجدانی بودن اختیار با کدام یک از مفاهیم زیر مرتبط است و به چه معناست؟

- (۱) مشهود - هر کس آن را در خود می‌یابد و می‌بیند که شبانه‌روز در حال تصمیم‌گرفتن برای انجام یک کار یا ترک آن است.
 (۲) مشهود - نفس یا وجدان انسان به هنگام اشتباه او را سرزنش می‌کند و او را مسئول کارهای خود می‌داند.
 (۳) معلوم - هر کس آن را در خود می‌یابد و می‌بیند که شبانه‌روز در حال تصمیم‌گرفتن برای انجام یک کار یا ترک آن است.
 (۴) معلوم - نفس یا وجدان انسان به هنگام اشتباه او را سرزنش می‌کند و او را مسئول کارهای خود می‌داند.

۲۸۵- پیامد اعتقاد به این‌که: «نقشه جهان با همه موجودات و ریزه‌کاری‌ها و ویژگی‌ها و قانون‌هایش از آن خدا و اجرا و پیاده کردن آن نیز به اراده خداست.» چیست؟

- (۱) بدون پذیرش قدر و قضای الهی هیچ نظمی برقرار نمی‌شود.
 (۲) نه در تقدیر جهان نقصی هست و نه در اجرا و پیاده کردن آن.
 (۳) تقدیر الهی شامل همه ویژگی‌ها، کیفیت‌ها و کلیه روابط میان موجودات می‌شود.
 (۴) جهان خلقت حافظ و نگهداری دارد که در کار او اشتباه نیست.

۲۸۶- مطابق تعالیم اسلامی، چگونه در فعل اختیاری تا زمانی که انسان به انجام فعلی اراده نکند، انجام نمی‌گیرد اما در عین حال، وجود ما و عملی که از

ما سر می‌زند، همگی وابسته به اراده خداوند است؟

- (۱) اراده انسان، مقدم بر اراده خداست ولی به او وابسته است.
 (۲) انسان، اثر عامل اول یعنی خدا را بر روی سایر موجودات منتقل می‌کند.
 (۳) اختیار انسان نقشی بر عهده دارد که با نقش اراده الهی مشارکت می‌کند. (۴) اراده انسان در طول اراده خداست و با آن منافات ندارد.

۲۸۷- سنجیدن جوانب کار، استوار نمودن عهدها و پیمان‌ها و دچار شدن به تردید به ترتیب ناظر بر کدام یک از شواهد وجود اختیار است؟

- (۱) مسئولیت‌پذیری - تفکر و تصمیم - تفکر و تصمیم
 (۲) تفکر و تصمیم - تفکر و تصمیم - مسئولیت‌پذیری - تفکر و تصمیم
 (۳) مسئولیت‌پذیری - تفکر و تصمیم - احساس رضایت یا پشیمانی
 (۴) تفکر و تصمیم - مسئولیت‌پذیری - احساس رضایت یا پشیمانی

۲۸۸- اگر بگوییم: «نه در نقشه جهان نقصی هست و نه در اجرا و پیاده کردن آن» به ترتیب بر و الهی مهر تأکید نهاده‌ایم که اصطلاح قرآنی

..... هم مفهوم با «حتمیت بخشیدن» است.

- (۱) علم - حکمت - دوم (۲) قدرت - حکمت - اول (۳) علم - اراده - دوم (۴) قدرت - اراده - اول

۲۸۹- کلام خداوند در عبارت: ﴿فَمَن أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَّ مَن عَمِيَ فَعَلَيْهَا﴾ به چه معنی است و خداوند در پی: ﴿ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْت أَيْدِيكُمْ﴾ چه فرموده است؟

- (۱) برای هدایت شدن باید در انتظار رهنمودهای الهی بود - خداوند هرگز در حق بندگان ستم نمی‌کند.
 (۲) هر انسانی باید بازتاب اعمال خود را بپذیرد - اگر عمل به اندازه دانه‌ای باشد، آن را حساب می‌کنیم.
 (۳) برای هدایت شدن باید در انتظار رهنمودهای الهی بود - اگر عمل به اندازه دانه‌ای باشد، آن را حساب می‌کنیم.
 (۴) هر انسانی باید بازتاب اعمال خود را بپذیرد - خداوند هرگز در حق بندگان ستم نمی‌کند.

۲۹۰- سخن امیرالمؤمنین علی علیه السلام: «از قضای الهی به قدر الهی پناه می‌برم.» در نفی کدام دیدگاه و حاکی از کدام حقیقت است؟

- (۱) حرکت و تصمیم‌گیری براساس دستور عقل بی‌فایده است - اعتقاد به قضا و قدر، عامل و زمینه‌ساز عمل انسان است.
 (۲) اختیار ما در تعیین سرنوشت خود محدود و ناچیز است - فروریختن دیوار کج یک تقدیر الهی و متناسب با قضای آن است.
 (۳) حرکت و تصمیم‌گیری براساس دستور عقل بی‌فایده است - فروریختن دیوار کج یک تقدیر الهی و متناسب با قضای آن است.
 (۴) اختیار ما در تعیین سرنوشت خود محدود و ناچیز است - اعتقاد به قضا و قدر، عامل و زمینه‌ساز عمل انسان است.

۲۹۱- با توجه به آیه شریفه: ﴿وَأَنَّ عَلَيْكُمْ لِحَافِظِينَ﴾ تعیین فرشتگان به عنوان مراقبان بر اعمال انسان و سپس ریزه‌کاری‌های جهان و موقعیت مکانی

موجودات آن و آیه: ﴿قُلْ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَّ هُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ﴾ به ترتیب حاکی از کدام است؟

- (۱) قضا - تقدیر - قضا - تقدیر (۲) تقدیر - تقدیر - تقدیر - قضا (۳) قضا - قضا - تقدیر - تقدیر (۴) تقدیر - تقدیر - قضا - قضا



۲۹۲- مفهوم صحیح قدر و قضای الهی کدام است؟

- ۱) هر پدیده‌ای تقدیر و اندازه خاص خود را دارد و اراده الهی بر تعیین ویژگی‌های مخلوقات تعلق گرفته است.
- ۲) نظم حاکم بر جهان، اتفاقی از میان میلیاردها اتفاق ممکن دیگر بوده و غیر قابل تغییر و دگرگونی است.
- ۳) هر چیزی مهندسی و قاعده خاص خود را دارد که این قواعد، توسط انسان قابل یافتن و بهره‌گیری است.
- ۴) تقدیر و قواعد حاکم بر جهان خلقت قابل تغییر است و گرنه هیچ زمینه‌ای برای کار اختیاری انسان پدید نمی‌آید.

۲۹۳- ریختن دیوار کج متناسب با آن و یک الهی است، اما اگر دیگری داشته باشد، دیگری را به دنبال خواهد آورد و انتخاب مناسب، نتیجه شناخت است.

- ۱) تقدیر - قضای - قضای - تقدیر - همه تقدیرات و قضای آن
 - ۲) قضای - تقدیر - تقدیر - قضای - همه تقدیرات و قضای آن
 - ۳) تقدیر - قضای - تقدیر - قضای - این دو تقدیر و دو قضا
 - ۴) قضای - تقدیر - تقدیر - قضای - این دو تقدیر و دو قضا
- ۲۹۴- میان آیات شریفه: ﴿قُلْ أَعْبُدُوا اللَّهَ ابْنِي رَبِّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾ و ﴿أَنَا هَدِيْنَاهُ السَّبِيْلَ إِمَّا شَاكِرًا وَ إِمَّا كَفُوْرًا﴾ چه ارتباطی وجود دارد؟

- ۱) تدبیر و پرورش همه موجودات به دست خداوند است و یک اراده بر جهان حاکم است.
- ۲) اراده انسان، وابسته به اراده خداست و در طول اراده خداوند، نقش فاعلیت و قدرت تصمیم‌گیری دارد.
- ۳) انسان با شناخت قانونمندی‌های الهی و رد شدن از آن‌ها می‌تواند اختیار خویش را بروز و ظهور دهد.
- ۴) در پیدایش و پرورش هر پدیده دو عامل اراده الهی و اختیار انسان به صورت همزمان و با همکاری یکدیگر مشارکت می‌کنند.

۲۹۵- در پرسش: «آیا از قضای الهی می‌گریزی» میان قضا و قدر الهی با اختیار انسان چه نسبتی برقرار شده است و فرو ریختن دیوار سست و کج متناسب با کدام مورد است؟

- ۱) سازگاری - انتخاب درست انسان
- ۲) ناسازگاری - انتخاب درست انسان
- ۳) سازگاری - تقدیر خاص آن دیوار
- ۴) ناسازگاری - تقدیر خاص آن دیوار

۲۹۶- کدام عبارت، توصیف‌کننده «قدر و قضای الهی» است؟

- ۱) قضای الهی در ویژگی‌های موجودات و روابط میان آن‌ها مؤثر است.
- ۲) قضا و قدر هر دو از مظاهر حکمت خداوند در به وجود آوردن آسمان‌ها و زمین هستند.
- ۳) کل آفرینش تحت امر قدر الهی است و ویژگی‌های هر موجودی قبل از ایجاد و خلق، مقدر شده است.
- ۴) قضای الهی مربوط به مقام ایجاد و آفرینش است و جهان هستی با یک اتفاق موجود شده است.

۲۹۷- کدام آیه شریفه، به دیدگاه افرادی که عهدها و پیمان‌ها را براساس مسئولیت‌پذیری انسان استوار می‌کنند، اشاره دارد؟

- ۱) ﴿ذٰلِكَ بِمَا قَدَّمْت اَيْدِيَكُمْ وَاِنَّ اللّٰهَ لَيْسَ بِظَلّٰمٍ لِّلْعَبِيْدِ﴾
- ۲) ﴿اِنَّمَا يٰۤاٰكُلُوْنَ فِىْ بُطُوْنِهِمْ نَارًا وَّ سَيٰطِلُوْنَ سَعِيْرًا﴾
- ۳) ﴿وَالَّذِيْنَ جَاهَدُوْا فِىْنَا لَنَهْدِيْهُمْ سَبِيْلَنَا﴾
- ۴) ﴿فَمَنْ اَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَّمَنْ عَمِيَٰ فَعَلِيْهَا﴾

۲۹۸- کدام مورد نمونه‌ای برای وابستگی علت پایینی به علت مرتبه بالایی است؟

- ۱) پرورش گل
- ۲) ساختن بنا
- ۳) تولید لباس
- ۴) نوشتن مقاله

۲۹۹- با توجه به آیات قرآن کریم، دلیل گرفتاری انسان‌ها به عقوبت در قیامت چیست و نشانه اختیار آنان کدام است؟

- ۱) ﴿يَعْبُدُ اللّٰهَ عَلٰى حَرْفٍ﴾ - احساس پشیمانی
- ۲) ﴿بِمَا قَدَّمْت اَيْدِيَكُمْ﴾ - مسئولیت‌پذیری
- ۳) ﴿يَعْبُدُ اللّٰهَ عَلٰى حَرْفٍ﴾ - مسئولیت‌پذیری
- ۴) ﴿بِمَا قَدَّمْت اَيْدِيَكُمْ﴾ - احساس پشیمانی

۳۰۰- «کار هر یک از اعضای بدن» مرتبط با کدام مورد است و وجود آن به چه معناست؟

- ۱) تقدیر الهی - در یک جهان قانونمند، امکان بهره‌مندی از انتخاب وجود دارد.
- ۲) قضای الهی - در یک جهان قانونمند امکان بهره‌مندی از انتخاب وجود دارد.
- ۳) تقدیر الهی - در اجرا و پیاده‌کردن نقشه جهان نقص و اشتباهی نیست.
- ۴) قضای الهی - در اجرا و پیاده‌کردن نقشه جهان نقص و اشتباهی نیست.

۳۰۱- خداوند، راه بینایی و کوردلی را برای انسان‌ها چگونه باز گذاشته است و کدام‌یک از شواهد اختیار انسان را بیان می‌کند؟

- ۱) ﴿اَنَا هَدِيْنَاهُ السَّبِيْلَ﴾ - تفکر و تصمیم
- ۲) ﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصٰئِرٌ مِّنْ رَبِّكُمْ﴾ - مسئولیت‌پذیری
- ۳) ﴿اَنَا هَدِيْنَاهُ السَّبِيْلَ﴾ - مسئولیت‌پذیری
- ۴) ﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصٰئِرٌ مِّنْ رَبِّكُمْ﴾ - تفکر و تصمیم

۳۰۲- از دیدگاه امیرالمؤمنین (ع) چرا باید از قضای الهی به قدر الهی پناه برد؟

- ۱) هر حادثه‌ای، فقط یک قضا و قدر دارد.
- ۲) همه امور به دست ما است و با اختیار قابل تغییر می‌باشد.
- ۳) اعتقاد به قضا و قدر، عامل انتخاب درست است.
- ۴) تصمیم‌گیری براساس دستور عقل بی‌فایده است، فقط باید تقدیر را شناخت.

۳۰۳- بدون هیچ نظمی برقرار نمی‌شود و زمینه‌ای برای کار اختیاری پدید نمی‌آید و این مورد، توسط انسان قابل است.

- ۱) قدر و قضای الهی - یافتن و بهره‌گیری
- ۲) اختیار و انتخاب - تغییر و تبدیل
- ۳) قدر و قضای الهی - تغییر و تبدیل
- ۴) اختیار و انتخاب - یافتن و بهره‌گیری

۳۰۴- بیت زیر مفهوم کدام آیه شریفه را مورد تأکید قرار داده است؟

هیچ عاقل مر کلوخی را زند؟ هیچ با سنگی عتابی کس کند؟

- ۱) ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَعْبُدُ اللّٰهَ عَلٰى حَرْفٍ فَاِنْ اَصَابَهُ خَيْرٌ اٰمَنًاۢ بِهِ﴾
- ۲) ﴿وَالَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِآيٰتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُوْنَ﴾
- ۳) ﴿ذٰلِكَ بِمَا قَدَّمْت اَيْدِيَكُمْ وَاِنَّ اللّٰهَ لَيْسَ بِظَلّٰمٍ لِّلْعَبِيْدِ﴾
- ۴) ﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصٰئِرٌ مِّنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ اَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَّمَنْ عَمِيَٰ فَعَلِيْهَا﴾

پاسخ نامہ

تسریں

۲۳۰ گزینۀ «۲»

آیه: تدبر در قرآن، صفحه ۴۳

این سؤال را باید با توجه به مفاهیم مطرح در آیات ۶۰ و ۶۱ سوره یس پاسخ داد: **أَمْ أَعِدُّوا لِيَوْمٍ أَمْ آيَاتِ** ای فرزند آدم، آیا از شما پیمان نگرفته بودم؟ هشدار خداوند به انسان

أَنْ لَا تُعْبَدُوا الشَّيْطَانَ که شیطان را نپرستید: نفی بندگی شیطان

إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ که او دشمن آشکار شماست؟: دشمنی شیطان نسبت به انسان، آشکار است، نه پنهانی.

وَ أَنْ أَعْبُدُونِي و این که مرا بپرستید: انسان، همواره بر سر دوراهی بندگی خداوند یا بندگی شیطان است.

هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ که این راه مستقیم است: مسیر مستقیم، بندگی خداوند است. طبق این مفاهیم، گزینۀ (۲) نادرست است.

۲۳۱ گزینۀ «۳»

بررسی: صفحه ۴۵

حضور حسن فاعلی و عدم حسن فعلی: **جَهْلٌ** یعنی کسی نیت الهی داشته باشد ولی از روی ناآگاهی، عمل خود را مطابق دستور خداوند به جا نیاورد.

عکس مفهوم اول یعنی عدم حسن فاعلی و حضور حسن فعلی: **رَبِّا** یعنی فردی ظاهر عملش نیک باشد، ولی نیت الهی نداشته باشد.

كَمِكَ به افراد نیازمند در حضور دیگران، **ظَاهِرِي نِيكَ** اما **نِيَّتِي** غیر الهی دارد، در نتیجه مصداقی از مورد دوم یعنی «ربا» است.

۲۳۲ گزینۀ «۲»

متن: صفحه ۴۷

انجام واجبات و ترک محرمات از راه‌های تقویت اخلاص است. در نتیجه علت است. نیایش با خداوند و عرض نیاز به پیشگاه او برای رسیدن به اخلاص، غفلت از خداوند را کم می‌کند، محبت او را در قلب تقویت می‌کند و انسان را بهره‌مند از کمک‌های الهی می‌نماید.

۲۳۳ گزینۀ «۴»

ترکیبی: درس ۱۲ - ۱۰ - دهم

عبارت: **يَذُنُّنَ عَلَيْهِنَ مِنْ جَلَابِيْبِهِنَّ** به حدود حجاب برای زنان اشاره دارد و می‌فرماید که پوشش‌هایشان را به خود نزدیک سازند. **انجام این وظیفه الهی، بیانگر انجام واجبات است.**

آیه **«اهدنا الصراط المستقیم»** از خداوند، هدایت به راه راست زندگی را خواستار شده که از مصادیق «راز و نیاز با خداوند و کمک‌خواستن از او» است.

۲۳۴ گزینۀ «۴»

آیه: تدبر در قرآن، صفحه ۴۳ / ترکیبی: درس ۳ - دوازدهم

با توجه به آیه **«قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَشْنِي وَفَرَادِي»**، موعظه منحصر خداوند به انسان، قیام جمعی و فردی برای خداست.

علاوه بر آیه مطرح در سؤال، آیه **«إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»** راه درست زندگی را عبادت خدا بیان کرده است.

۲۳۵ گزینۀ «۱»

متن: صفحات ۴۷ و ۴۸

اگر انسان در اخلاص پیش رود، به مرحله‌ای می‌رسد که گرفتار دام‌های شیطان نمی‌شود و شیطان از نفوذ در او مأیوس می‌گردد. داستان حضرت یوسف علیه السلام یکی از نمونه‌های آن است.

کافی است به زندگی زیبا و پر از جلال رسول خدا صلی الله علیه و آله، امیرالمؤمنین علیه السلام، فاطمه زهرا علیها السلام و دیگر پیشوایان خود نظر بیفکنیم و ببینیم که این همه خوبی و زیبایی و آن مقام قرب و نزدیکی به محبوب را از راه **بندگی خالصانه** به دست آورده‌اند.

۲۳۶ گزینۀ «۱»

ارتباط مفهومی: بیت / آیه

مفهوم بیت مطرح در صورت سؤال، اخلاص در بندگی، **خالص کردن دل و فکر برای خدا و بیرون کردن غیر خدا از فکر و دل** است. در نتیجه باید آیه‌ای را انتخاب کنیم که هم بر اخلاص برای خدا و هم بیرون کردن غیرخدا از دل اشاره داشته باشد. آیه **«أَلَمْ أَعِدُّوا لِيَوْمٍ أَمْ آيَاتِ»** با عبارت **«لَا تُعْبَدُوا الشَّيْطَانَ»** به بیرون کردن غیرخدا از دل و با عبارت **«أَنْ أَعْبُدُونِي»** به اخلاص برای خدا اشاره دارد و پاسخ صحیح است.

۲۳۷ گزینۀ «۲»

متن: صفحه ۴۴

قصد و نیت به منزله روح عمل است و عمل بدون نیت، کالبد بی جانی بیش نیست.

۲۳۸ گزینۀ «۳»

ارتباط مفهومی: بیت / بیت

همه ابیات به «افزایش معرفت نسبت به خداوند» اشاره دارد، اما گزینۀ (۳) به «توجه به نیازهای برتر و پیداکردن دغدغه و درد متعالی» برای رسیدن به پادشاهی وصف‌ناشدنی اشاره دارد.

۲۳۹ گزینۀ «۱»

تطبیق: صفحه ۴۵ / بررسی: صفحه ۴۵

وجود جهل در جایی است که فرد نیت الهی و حسن فاعلی دارد، اما عمل خود را مطابق با دستور الهی انجام نمی‌دهد و حسن فعلی ندارد.

پوشیدن لباس تمیز برای حفظ احترام خود: فقط حسن فعلی دارد و چون ربا است، حسن فاعلی ندارد. حضور در نماز جماعت: هم حسن فعلی دارد و هم حسن فاعلی؛ زیرا هم عمل او مطابق دستور خداست و هم نیت او الهی است.

۲۴۰ گزینۀ «۳»

متن: صفحات ۴۷ و ۴۸

مقاومت در برابر دام‌های شیطان، نیازمند روی آوردن به پیشگاه خداوند و پذیرش خالصانه فرمان‌های اوست.

شیطان، خود اقرار کرده که توانایی فریب مؤمنان با اخلاص را ندارد.

۲۴۱ گزینۀ «۴»

متن: صفحه ۴۴ / بررسی: صفحه ۴۸

از آن جا که مفهوم اخلاص آن است که شخص، عملش را فقط برای رضای خداوند و همان گونه که او دستور داده است، انجام دهد، با **توحید عملی** تناسب دارد. اگر انسان در اخلاص پیش رود، به مرحله‌ای می‌رسد که دیگر فریب وسوسه‌های شیطان را نمی‌خورد و گرفتار دام‌های شیطان نمی‌شود. حضرت یوسف علیه السلام نیز به علت داشتن اخلاص، از دام‌های شیطان که همان وسوسه‌های زلیخا بود، مصون ماند.

۲۴۲ گزینۀ «۱»

متن: صفحه ۵۶

بررسی گزینه‌ها: گزینۀ (۱): با توجه به این که فقط با زندگی در یک جهان قانون مند، امکان بهره‌مندی از اختیار و انتخاب وجود دارد، بنابراین تقدیرات هم لازمه کار اختیاری انسان و هم جهت‌دهنده و محدودکننده آن است.

گزینۀ (۲): اختیار انسان با قضای الهی ناسازگار نیست.

گزینۀ (۳): انسان در همه امور اختیار ندارد. مثلاً ما در عملکرد دستگاه‌های مختلف بدن خود نقشی نداریم. پس جمله «هیچ چیز نمی‌تواند مانع اراده او شود» نادرست است.

گزینۀ (۴): مشیت الهی بر داشتن اختیار انسان تعلق گرفته است. بنابراین مشیت الهی نیز نمی‌تواند مانع از اختیار انسان شود.

۲۴۳ گزینۀ «۱»

متن: صفحات ۵۸ و ۵۹

در فعل اختیاری، تا زمانی که ما به انجام دادن فعلی اراده نکرده‌ایم، آن فعل انجام نمی‌گیرد. در عین حال، وجود ما، اراده ما و عملی که از ما سر می‌زند، همگی وابسته به اراده خداوند است، یعنی اراده انسان در طول اراده خداست. از این جملات می‌فهمیم که: جمله «کار انسان، هم به اراده و اختیار او وابسته است و هم به اراده خداوند» سخن درستی است و مبنای آن قبول علل طولی است. خداوند این گونه تعیین کرده که انسان کارهایش را «با اختیار انجام دهد». یعنی اختیار انسان، یک **تقدیر الهی** است.

۲۴۴ گزینۀ «۴»

متن: صفحات ۵۳ و ۵۸

ویژگی ذاتی انسان، اختیار است. **باید توجه داشته باشیم که بسیاری از امور، اختیاری نیست و ما در وقوع آنها نقشی نداریم.** در نتیجه قسمت اول گزینه‌های (۲) و (۳) نادرست است.

در عین حال، باید توجه داشت که همین **اختیار محدودی که داریم، مبنای تصمیم‌گیری‌های ما و تعیین‌کننده عاقبت و سرنوشت ماست.** در نتیجه قسمت اول گزینه‌های (۱) و (۴) صحیح است که می‌گوید: انسان، کارهایش را با خواست و اراده خود انجام می‌دهد.

خداوند این گونه تقدیر کرده که انسان کارهایش را «با اختیار انجام دهد» و کسی نمی‌تواند از اختیار، که ویژگی ذاتی اوست، فرار کند. در نتیجه، اختیار انسان توسط خداوند تعیین شده و توسط انسان قابل تغییر نیست. از طرفی همه چیز تحت اختیار انسان نیست. در نتیجه قسمت دوم گزینه‌های (۱) و (۲) نادرست است.



۲۴۵ گزینه «۳»

متن: صفحات ۵۴ و ۵۵ / آیه: انسان، ۳

خدای متعال، متناسب با همین قوه اختیار، بشر را راهنمایی کرده و او را مختار گذاشته است که از راهنمایی خداوند استفاده کند و سپاسگزار باشد، یا ناسپاسی کند و از هدایت الهی بهره نبرد. آیه: ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِنَّا شَاكِرًا وَإِنَّا كَفُورًا﴾ بیانگر آن است.

۲۴۶ گزینه «۱»

آیه: تدبیر در قرآن، صفحه ۵۵

آیه مطرح در صورت سؤال، بر «اختیار» انسان پس از نزول رهنمودهای الهی بر او اشاره دارد. تقدیر الهی برای انسان این است که او دارای اختیار باشد. در واقع، مشیت الهی زمینه‌ساز شکوفایی اختیار انسان است.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۲): این آیه، به قدرت تفکر و تصمیم از نشانه‌های اختیار اشاره دارد، نه مسئولیت‌پذیری.

گزینه (۳): این آیه، نمی‌گوید که بصیرت الهی مانع گمراهی انسان می‌شود، بلکه بیان می‌کند رهنمودهای الهی به انسان رسیده و او با اختیار خود، تفکر می‌کند و تصمیم می‌گیرد راه الهی را در پیش بگیرد یا راه شقاوت را.

گزینه (۴): این آیه به قدرت تفکر و تصمیم از نشانه‌های اختیار اشاره دارد، نه احساس رضایت یا پشیمانی.

۲۴۷ گزینه «۱»

آیه: تدبیر در قرآن، صفحه ۵۵ / متن: صفحه ۵۵

عقیده «جبرگرایی» به معنای «مختار نبودن انسان» است. آیه ﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا﴾ با بیان این‌که انسان مختار است که دلایل روشن الهی را بپذیرد یا نپذیرد، این عقیده را نفی نموده است. انسان می‌تواند قوانین حاکم بر جهان هستی و خلقت را بشناسد و برای رفع نیازهای خود از آن‌ها استفاده کند و به هدف‌های خود برسد. به عبارت دیگر، او در جهانی زندگی می‌کند که **قدر و قضای الهی بر آن حاکم است.** بنابراین قانونمندی جهان هستی، قضا و قدر الهی نامیده می‌شود.

۲۴۸ گزینه «۳»

متن: صفحه ۵۷

امیر مؤمنان با رفتار و سپس گفتار خود، نگرش صحیح خود از قضا و قدر را نشان داد و به آن شخص و دیگران آموخت که اعتقاد به قضا و قدر، نه تنها مانع تحرک و عمل انسان نیست، بلکه عامل و زمینه‌ساز آن است.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): نشستن در سایه دیوار مستحکم و پایدار، از قانون و قضای الهی نشأت گرفته است.

گزینه (۲): تمام حرکات و تصمیم‌گیری‌های امام، براساس شناخت قانون و قضای الهی بود.

گزینه (۴): فروریختن دیوار کج، یک قضای الهی است.

۲۴۹ گزینه «۳»

متن: صفحه ۵۳ / تدبیر در قرآن، صفحه ۵۵

اختیار حقیقی وجدانی و مشهود است و حتی کسی که آن را در سخن انکار می‌کند، در عمل از قدرت اختیار خود بهره می‌برد. در نتیجه انکارناپذیر هم هست. آیه ﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا﴾ با بیان این‌که خدای متعال، برای انسان دلایل روشن فرستاده و او را مختار گذاشته که از راهنمایی خداوند، استفاده کند و یا کوری پیشه کند و از آن استفاده نماید، حاکی از اختیار است.

۲۵۰ گزینه «۱»

آیه: تدبیر در قرآن، صفحه ۵۵

با توجه به آیه ﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا﴾: «به راستی که دلایل روشن از جانب پروردگارتان به سوی شما آمد. پس هر که بینا گشت، به سود خود او و هر کس کوردل گردد، به زیان خود اوست.» ثمره اطاعت یا زیان نافرمانی هر دو به خود انسان برمی‌گردد.

۲۵۱ گزینه «۱»

آیه: انسان، ۳

این آیه دو عبارت دارد:

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ خداوند، متناسب با قوه اختیار، بشر را راهنمایی کرده است: فلسفه نبوت نشان‌دادن راه به انسان است.

إِنَّا شَاكِرًا وَإِنَّا كَفُورًا خداوند، انسان را مختار گذاشته که از راهنمایی او استفاده کند و سپاس‌گزار باشد یا ناسپاسی کرده و مسیر شقاوت را بپیماید: شکرگزاری یا کفران به وسیله قدرت اختیار انسان صورت می‌گیرد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۲): جمله «نداشتن اختیار برای انسان، امر عادی است.» نادرست می‌باشد؛ زیرا انسان موجودی مختار است.

گزینه (۳): خداوند به وسیله پیامبران راه صحیح را نشان می‌دهد، شکرگزاری انسان با انتخاب راه صحیح انجام می‌شود.

گزینه (۴): این آیه نمی‌گوید که پیامبران، شکرگزاری و کفران را به انسان نشان می‌دهند، بلکه می‌گوید کسی که راه صحیح زندگی را انتخاب کند، شاکر و کسی که آن را انتخاب نکند، ناسپاس است.

۲۵۲ گزینه «۱»

متن: صفحات ۵۵ و ۵۶

خداوند، قدرت اختیار را به ما عطا کرده و از ما خواسته با استفاده از آن، برای زندگی خود برنامه‌ریزی کنیم و به قله‌های کمال برسیم: **پیمودن پله‌های کمال.** زندگی در یک جهان قانونمند، به وی امکان حرکت و فعالیت می‌دهد، زیرا او می‌تواند قوانین حاکم بر جهان خلقت را بشناسد و برای رفع نیازهای خود از قوانین استفاده کند: **برطرف نمودن نیازها، به فعلیت رساندن استعدادها**

۲۵۳ گزینه «۱»

متن: صفحه ۵۶

تعیین اندازه، ویژگی و نقشه پدیده‌ها: تقدیر

تقدیر برخاسته از علم الهی است.

موجودات جهان از آن جهت که با حکم و فرمان و اراده الهی ایجاد می‌شوند، مربوط به قضای الهی هستند.

۲۵۴ گزینه «۲»

متن: صفحه ۵۶

موجودات جهان از آن جهت که با حکم و فرمان و اراده الهی ایجاد می‌شوند، به **قضای الهی وابسته‌اند.**

موجودات جهان از آن جهت که خداوند، موقعیت مکانی و زمانی آن‌ها را تعیین می‌کند، به **تقدیر الهی وابسته‌اند.**

۲۵۵ گزینه «۲»

متن: صفحه ۵۶

اگر وضع جهان غیر از این بود، یعنی تحت نظام قدر و قضای الهی قرار نداشت و قانونمند نبود، نمی‌توانستیم با همین اطمینان خاطر که اکنون داریم، با اختیار خود دست به انتخاب بزنیم و در این جهان فعالیت کنیم. از این رو فقط با زندگی در یک جهان قانونمند است که امکان بهره‌مندی از اختیار و انتخاب وجود دارد. طبق این عبارت، صحنه بروز و ظهور اختیار انسان، آن‌جاست که قضا و قدرهای متفاوت او را احاطه کرده باشند و انسان با شناخت نظام قضا و قدری خداوند، حرکت اختیاری انجام دهد.

۲۵۶ گزینه «۱»

متن: صفحات ۵۷ تا ۵۹

جوشش آب در درجه مشخص: تقدیر

برخورداری انسان از اختیار: تقدیر

اراده انسان در طول اراده خداست؛ در نتیجه امر دوم برخاسته از علل طولی است.

۲۵۷ گزینه «۲»

متن: صفحه ۵۶

هر دو مفهوم مطرح در صورت سؤال، به طور مستقیم در کتاب درسی نیامده است و باید با توجه به مفاهیمی که از «قضا» و «تقدیر» آموخته‌ایم به این سؤال پاسخ دهیم. تأثیرگذاری پدیده‌ها در نظام تکوین (آفرینش) همان انجام کارها توسط مخلوقات در طول اراده الهی است. انجام کار مرتبط با قضای الهی است.

وساطت فرشتگان و کارگزاری آنان در محدوده تعیین شده از سوی خداوند نیز بیانگر انجام کارها به طور غیرمستقیم و به اذن الهی توسط فرشتگان است. انجام کارها نیز مربوط به قضای الهی است؛ زیرا در این‌جا، خداوند حکم و فرمان خود را از طریق فرشتگان به اجرا درمی‌آورد که همان مفهوم قضای الهی را می‌رساند.

۲۵۸ گزینه «۲»

متن: صفحه ۵۷ / آیه: انسان، ۳

با توجه به سخن امام علی علیه السلام که فرمود: «از قضای الهی به قدر الهی پناه می‌برم.» فرار از این قضا، امری ممکن است و می‌توان با پناه‌بردن به دیواری مستحکم از آن جلوگیری کرد. این امر که کاری اختیاری است و به اختیار انسان در پرتو قضا و قدر الهی اشاره دارد، از آیه ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِنَّا شَاكِرًا وَإِنَّا كَفُورًا﴾ برداشت می‌شود.

۲۵۹ گزینۀ «۲»

متن: صفحه ۵۶

نقشه جهان یعنی ویژگی‌ها و حدود و موقعیت مکانی و زمانی که حاکی از تقدیر است. اجرا و پیاده کردن آن، حاکی از قضای الهی است.

۲۶۰ گزینۀ «۳»

متن: صفحه ۵۸

مختار بودن انسان: تقدیر مایع بودن آب: تقدیر خروج از تقدیرات الهی: ناممکن است.

۲۶۱ گزینۀ «۱»

آیه: انسان، ۳

خدای متعال، متناسب با قوه اختیار، بشر را راهنمایی کرده و او را مختار گذاشته که از راهنمایی خداوند استفاده کند و سپاس‌گزار باشد یا ناسپاسی کند و از هدایت و لطف الهی بهره نبرد. پیام اصلی این آیه، اختیار انسان است. در نتیجه باید گزینه‌ای را انتخاب کنیم که به این مفهوم اشاره دارد. از میان گزینه‌ها، گزینۀ (۱) بیانگر انتخاب است.

پ.ن: سایر گزینه‌ها که فقط به «هدایت الهی» اشاره دارد، پاسخ صحیح نیست.

۲۶۲ گزینۀ «۲»

متن: صفحه ۵۷ / حدیث: صفحه ۵۷

فروریختن دیوار کج، یک قضای الهی است. اما این قضا متناسب با ویژگی و تقدیر خاص آن دیوار، یعنی کجی آن است.

حضرت علی علیه السلام فرمود: «از قضای الهی به قدر الهی پناه می‌برم.»

۲۶۳ گزینۀ «۲»

متن: صفحات ۵۷ و ۵۹

آیه مطرح در صورت سؤال به اختیار انسان اشاره دارد. اختیار انسان، در طول اراده خداوند است. ویژگی اختیار، یک تقدیر الهی است.

پ.ن: جمله «اراده خداوند متعلق به تکوین و تشریح است.» یعنی اراده خداوند بر نظام آفرینش و شریعت تعلق می‌گیرد. این مفهوم ارتباطی به آیه مطرح ندارد.

۲۶۴ گزینۀ «۴»

متن: صفحه ۵۶ / آیه: انعام، ۱۰۴

پیاده کردن قوانین حاکم بر هستی یعنی به اجرا درآوردن و به انجام رساندن آن‌ها که بیانگر قضای الهی است.

با توجه به آیه: «قد جاءکم بصائر من ربکم» به راستی که دلایل روشن از جانب پروردگارتان به سوی شما آمده است.» گزینۀ (۴) پاسخ صحیح است.

۲۶۵ گزینۀ «۳»

متن: صفحه ۵۶

انسان می‌داند که فقط با زندگی در یک جهان قانونمند است که امکان بهره‌مندی از اختیار و انتخاب وجود دارد. با توجه به این جمله، توسعه فعالیت‌های اختیاری انسان، معلول معرفت به تقدیر الهی است.

از میان دو کلمه «تابع» و «متبوع» اولی به معنای «به دنبال» و «دومی به معنای «چیزی که از آن تبعیت می‌شود» است. کلمه‌ای که به معلول اشاره دارد، تابع است. تقدیر الهی، برخاسته از علم الهی است.

۲۶۶ گزینۀ «۱»

متن: صفحات ۵۶ و ۵۸

رابطه جاذبه میان اشیاء، یعنی ویژگی آن‌ها. در نتیجه تقدیر الهی است و از علم خداوند سرچشمه می‌گیرد.

۲۶۷ گزینۀ «۲»

متن: صفحه ۵۶

نظام تعیین شده میان موجودات (تعیین ویژگی‌ها و روابط میان موجودات): مقدر به تقدیر الهی است.

خلق و اجرای موجودات، مقضی به قضای الهی است. خاستگاه تقدیر، علم خداوند است.

۲۶۸ گزینۀ «۴»

متن: صفحات ۵۶ و ۵۷

قضا برخاسته از حکم و اراده الهی است. قدر برخاسته از علم خداست.

با توجه به سخن حضرت علی علیه السلام که فرمود: «از قضای الهی به قدر الهی پناه می‌برم» هر قضایی متناسب با تقدیر خاص است. در نتیجه تقدیر تکیه‌گاه قضا می‌باشد.

۲۶۹ گزینۀ «۳»

متن: صفحه ۵۶

نقشه پدیده‌ها: تقدیر، علم تحقق آن: قضا، اراده

۲۷۰ گزینۀ «۲»

متن: صفحه ۵۹

اراده ما و عملی که از ما سر می‌زند، همگی وابسته به اراده خداوند و در طول اراده خداست، نه در عرض آن.

۲۷۱ گزینۀ «۴»

آیه: تدبر در قرآن، صفحه ۵۵

با توجه به آیه ۱۰۴ سوره انعام به این سؤال پاسخ می‌دهیم: قد جاءکم بصائر من ربکم به راستی که دلایل روشن از جانب پروردگارتان به سوی شما آمد: نزول دلایل روشن بر انسان

فین ابصر فلنفسه پس هر کس که بینا گشت، به سود خود او: اختیار انسان در قبول آن و من عی فعلیها و هر کس کوردل گردد، به زیان خود اوست: اختیار انسان در رد آن

۲۷۲ گزینۀ «۲»

متن: صفحه ۵۳

آیه مطرح در صورت سؤال، بیانگر «اختیار» انسان است. اختیار، یک حقیقت وجدانی است، نه عقلی.

۲۷۳ گزینۀ «۱»

متن: صفحه ۵۹

بین نظام جهان و اراده انسان، رابطه طولی حاکم است. در رابطه طولی، از آن‌جا که یک عامل در عامل دوم اثر می‌گذارد و آن عامل در عامل بعدی تأثیر می‌کند، رابطه تقدم و تأخر برقرار است. در نتیجه اراده انسان نیز مؤخر از اراده خداوند است؛ یعنی هر چیزی که انسان، اراده نماید؛ ابتدا خداوند اراده کرده که او آن عمل را انجام دهد.

پ.ن: در گزینۀ دیگر گفته شده: «انسان، همان را اراده می‌کند که مقدر اوست و برای او تعیین شده است.» این جمله به معنای عدم اختیار انسان است که اشتباه می‌باشد.

۲۷۴ گزینۀ «۴»

متن: صفحه ۵۹

تأثیر یک عامل در عامل دوم برای انتقال اثرش به معلول: علل طولی - مثال: نگارش همکاری عوامل گوناگون به صورت یک مجموعه: علل عرضی - مثال: رویش گل

۲۷۵ گزینۀ «۳»

متن: صفحه ۵۳

دو بیت مطرح در صورت سؤال، بیانگر «اختیار انسان» است؛ بنابراین باید گزینه‌ای را انتخاب کنیم که به این مفهوم اشاره کرده باشد.

بررسی گزینه‌ها:

گزینۀ (۱): این گزینه بر اعمال غیراختیاری انسان تأکید نموده است.

گزینۀ (۲): شواهد اختیار را در وجود خود می‌یابیم نه بیرون.

گزینۀ (۳): این گزینه بیانگر اختیار و ویژگی‌های آن است و صحیح می‌باشد.

گزینۀ (۴): این گزینه بیانگر تفاوت میان اعمال اختیاری و غیراختیاری است، نه تأکید بر اختیار.

۲۷۶ گزینۀ «۲»

آیه: تدبر در قرآن، صفحه ۵۵

خداوند در آیه ۱۸۲ سوره آل عمران می‌فرماید: «این عقوبت، به خاطر کردار پیشین شماست، وگرنه خداوند هرگز در حق بندگان ستم نمی‌کند.»

۲۷۷ گزینۀ «۲»

متن: صفحه ۵۶

آبی که برای رفع تشنگی می‌نوشیم، به سبب اعتماد به همین تقدیر و قضاست؛ یعنی می‌دانیم که خداوند، آب را با این ویژگی‌ها آفریده که سبب رفع تشنگی می‌شود.

۲۷۸ گزینۀ «۲»

آیه: انسان، ۳

اختیار، یک حقیقت وجدانی و مشهود است که هر کس آن را در خود می‌یابد و نیاز به استدلال ندارد. آیه‌ای که به اختیار اشاره نموده، آیه «انا هدیناه السبیل اما شاکراً و اما کفوراً» است.

۲۷۹ گزینۀ «۳»

متن: صفحه ۵۹

خداوند این‌گونه تقدیر کرده که انسان، کارهایش را «با اختیار انجام دهد». تعیین کردن ویژگی انسان، بیانگر تقدیر است.

هیچ کس نمی‌تواند از اختیار که ویژگی ذاتی اوست فرار کند. حتی اگر بخواهد فرار کند، باز هم یک کار اختیاری بوده چون همین کار را با خواست و اراده خود انجام داده است.



۲۸۰ گزینه «۴»

متن: صفحه ۵۹

نسبت دادن کل کار به هر یک از عوامل، در **علل طولی** مطرح می‌شود. در نتیجه باید گزینه‌های را انتخاب کنیم که حاکی از این نوع علل باشد.

بررسی گزینه‌ها:

گزینه (۱): در **علل طولی**، یک عامل در عامل بعدی فقط اثر می‌گذارد نه در هر یک از عوامل بعدی.

گزینه (۲): این گزینه بیانگر **علل عرضی** است، نه **طولی**.

گزینه (۳): این گزینه بیانگر **علل عرضی** است، نه **طولی**.

گزینه (۴): این گزینه بیانگر **علل طولی** است.

۲۸۱ گزینه «۱»

ارتباط مفهومی: حدیث/ آیه

علت سخن حضرت علی، **قانونمندی الهی و اختیار انسان** در پرتو آن است.

آیه «**اَنا هدیناه السبیل اَما شاکراً و اَما کفوراً**» نیز بیانگر اختیار انسان است.

۲۸۲ گزینه «۴»

آیه: تدبر در قرآن، صفحه ۵۵

مفهوم آیه شریفه، **اختیار انسان** است که این مفهوم در گزینه‌های (۳) و (۴) آمده است.

با توجه به این که انسان باید براساس تفکر و تصمیم با رهنمودهای الهی مواجه شود و دست به انتخاب بزند، این آیه به داشتن قدرت تفکر و تصمیم‌گیری اشاره می‌کند.

۲۸۳ گزینه «۴»

متن: صفحه ۵۷

برخی چنین پنداشته‌اند که قضا و قدر الهی با اختیار انسان ناسازگار است و تصور می‌کنند تقدیر، چیزی غیر از قانونمندی و نظم است.

برداشت نابه‌جای آن شخص این بود که ما هیچ اختیاری در تعیین سرنوشت خود نداریم و اگر قرار باشد دیوار بر سرمان خراب شود، حتماً این کار انجام می‌شود.

۲۸۴ گزینه «۱»

متن: صفحه ۵۳

اختیار که به معنای توانایی بر انجام یک کار و یا ترک آن است، یک حقیقت وجدانی و مشهود است و هر کس آن را در خود می‌یابد و می‌بیند که شبانه‌روز در حال تصمیم‌گرفتن برای انجام یک کار یا ترک آن است.

۲۸۵ گزینه «۲»

متن: صفحه ۵۶

این که می‌گوییم قدر و قضای الهی بر جهان حاکم است، به این معناست که نقشه جهان با همه موجودات و ریزه‌کاری‌ها و ویژگی‌ها و قانون‌هایش از آن خدا و از علم خداست و اجرا و پیاده کردن آن نیز به اراده خداست. به همین دلیل، نه در نقشه جهان تقدیر نقضی هست و نه در اجرا و پیاده کردن آن.

۲۸۶ گزینه «۴»

متن: صفحه ۵۹

در فعل اختیاری، تا زمانی که انسان به انجام فعلی اراده نکند، آن فعل انجام نمی‌گیرد؛ اما در عین حال، وجود ما، اراده ما و عملی که از ما سر می‌زند، همگی وابسته به اراده خداوند است؛ یعنی اراده انسان در طول اراده خداست و با آن منافات ندارد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): اراده خداوند، مقدم بر همه اراده‌ها است.

گزینه (۲): این جمله نادرست است و در هر موضوعی، واسطه‌ها و علل مختلف در آن کار دخالت دارند.

گزینه (۳): نسبت اختیار انسان و اراده الهی، مشارکت نیست، بلکه رابطه طولی حاکم است.

۲۸۷ گزینه «۲»

متن: صفحه ۵۴

سنجیدن جوانب کار و دچار شدن به تردید: تفکر و تصمیم

استواری عهدها و پیمان‌ها: مسئولیت‌پذیری

۲۸۸ گزینه «۳»

متن: صفحه ۵۶

نقشه جهان بیانگر تقدیر است و از علم الهی سرچشمه گرفته و اجرا و پیاده کردن آن بیانگر قضا است و از اراده الهی برخاسته است. اصطلاح قرآنی دوم یعنی قضا، هم‌مفهوم با «حتمیت بخشیدن» است.

۲۸۹ گزینه «۴»

آیه: تدبر در قرآن، صفحه ۵۵

خداوند در آیه ۱۰۴ سوره انعام فرموده: «به راستی که دلایل روشن از جانب پروردگارتان برای شما آمده است؛ پس هر که بینا گشت به سود خودش عمل کرده و هر کس کوری پیشه کرد، به خودش زیان رسانده است.» این آیه بر «**اختیار انسان**» اشاره دارد. در نتیجه مفهوم: «هر انسانی باید بازتاب اعمال خود را ببیند.» صحیح است.

هم‌چنین در آیه ۱۸۲ سوره آل عمران فرموده: ﴿ذَٰلِكَ بِمَا قَدَّمْت اَیْدِیْکُمْ وَاِنَّ اللّٰهَ لَیْسَ بِظَلّٰمٍ لِّلْعٰبِدِیْنَ﴾ (این عقوبت) به خاطر کردار پیشین شماست و خداوند هرگز به بندگان ستم نمی‌کند.»

۲۹۰ گزینه «۱»

متن: صفحه ۵۷

برداشت نابه‌جای آن شخص چنین بود که ما هیچ اختیاری در تعیین سرنوشت خود نداریم و اگر قرار باشد دیوار بر سرمان خراب شود، حتماً این کار انجام می‌شود و ما نمی‌توانیم تغییری در آن ایجاد کنیم؛ بنابراین حرکت و تغییر مکان و تصمیم‌گیری براساس دستور عقل، بی‌فایده است.

اما امیرالمؤمنین با رفتار و گفتار خود، نگرش صحیح از قضا و قدر را نشان داد و به آن شخص و دیگران آموخت که اعتقاد به قضا و قدر، نه تنها مانع تحرک و عمل انسان نیست، بلکه عامل و زمینه‌ساز آن است.

پ.ن: جمله «اختیار ما در تعیین سرنوشت خود محدود و ناچیز است» که در قسمت اول گزینه‌های (۲) و (۴) آمده، جمله درستی است.

هم‌چنین فروریختن دیوار کج، یک قضای الهی است.

۲۹۱ گزینه «۲»

متن: صفحه ۵۶/ ترکیبی: درس ۷، دهم - ۲، دوازدهم

تعیین ویژگی فرشتگان به عنوان مراقبان بر اعمال انسان: تقدیر

ریزه‌کاری‌های جهان: تقدیر

موقعیت مکانی موجودات جهان: تقدیر

آیه «**قُلْ اللّٰهُ خَالِقُ کُلِّ شَیْءٍ**» که حاکی از ایجاد موجودات است: قضا

۲۹۲ گزینه «۳»

متن: صفحه ۵۷

معنای قدر و قضای الهی این است که هر چیزی مهندسی و قاعده خاص خود را دارد که این قواعد توسط انسان قابل یافتن و بهره‌گیری است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): علم الهی بر تعیین ویژگی‌های مخلوقات تعلق می‌گیرد، نه اراده آن. گزینه (۲): نظم حاکم بر جهان، اتفاقی نیست، بلکه ناشی از علم و حکمت الهی است. گزینه (۳): تقدیر حاکم بر جهان خلقت، قابل تغییر نیست و به پشتوانه همین تقدیر ثابت، زمینه کار اختیاری انسان فراهم می‌شود.

۲۹۳ گزینه «۳»

متن: صفحه ۵۷

ریختن دیوار کج، یک قضای الهی است. این قضا متناسب با ویژگی و تقدیر خاص آن دیوار، یعنی کجی آن است؛ اما اگر دیوار، ویژگی (تقدیر) دیگری داشته باشد، مثلاً محکم باشد، قضای دیگری را به دنبال خواهد آورد و انسانی که این دو تقدیر و این دو قضا را بشناسد، تصمیم می‌گیرد و دست به انتخاب مناسب‌تر می‌زند.

۲۹۴ گزینه «۲»

متن: صفحه ۵۹

پیام آیه اول، تدبیر و پرورش همه موجودات به دست خداست.

پیام آیه دوم، اختیار انسان است.

ارتباط میان این دو آیه، در حقیقت رابطه میان اراده خداوند و اختیار انسان است که در گزینه (۲) آمده: اراده انسان، وابسته به اراده خداست و در طول اراده خداوند، نقش فاعلی و قدرت تصمیم‌گیری دارد.

۲۹۵ گزینه «۳»

متن: صفحه ۵۷

برخی چنین پنداشته‌اند که قضا و قدر الهی با اختیار انسان، ناسازگار است؛ در حالی که میان این دو، سازگاری وجود دارد و اعتقاد به قضا و قدر الهی، عامل و زمینه‌ساز کار اختیاری انسان است.

فروریختن دیوار سست و کج، یک قضای الهی است که متناسب با ویژگی و تقدیر خاص آن دیوار یعنی سستی و کجی آن است.

۲۹۶ | گزینه ۲

متن: صفحه ۵۶

بررسی گزینه‌ها: گزینه (۱): تقدیر الهی (نه قضای الهی) در ویژگی‌های موجودات و روابط میان آن‌ها مؤثر است.

گزینه (۲): قضا از مظاهر اراده و قدر از مظاهر حکمت الهی است و به وجود آوردن آسمان‌ها و زمین، فقط مربوط به قضای الهی است.

گزینه (۳): از آن‌جا که تقدیر مقدم بر قضای الهی است، کل آفرینش تحت امر قدر الهی است یعنی ویژگی‌های همه چیز را خداوند تقدیر نموده و این ویژگی‌ها قبل از ایجاد و خلق (قضا)، مقدر شده است.

گزینه (۴): جهان هستی با یک اتفاق موجود نشده است، بلکه ناشی از اراده الهی است.

۲۹۷ | گزینه ۱

تدبیر در قرآن: صفحه ۵۵

آیه: ﴿ذَلِكْ بِمَا قَدَّمْتَ اَيْدِيكَ وَ اِنَّ اللّٰهَ لَيْسَ بِظَلّٰمٍ لِّلْعَبِيدِ﴾ اشاره به این نکته دارد که انسان، مسئول اعمال خویش است و عذاب اخروی وی نتیجه اعمالی است که در دنیا انجام داده است.

۲۹۸ | گزینه ۴

متن: صفحات ۵۸ و ۵۹

در **علل طولی**، بحث وابستگی علت پائینی به علت مرتبه بالایی مطرح می‌شود. گزینه‌های (۱)، (۲) و (۳) به علت‌هایی در کنار هم نیازمند است که نتیجه نهایی ایجاد شود ولی در گزینه (۴)، نوشتن حاصل کار انسان است که به ترتیب نفس انسان، ساختار عصبی بدن، دست و قلم از جمله علل طولی می‌باشند.

۲۹۹ | گزینه ۲

تدبیر در قرآن: صفحه ۵۵

خداوند می‌فرماید: ﴿ذَلِكْ بِمَا قَدَّمْتَ اَيْدِيكَ﴾ «این عقوبت، به خاطر کردار پیشین شماست.» و این آیه به مسئولیت‌پذیری از نشانه‌های اختیار اشاره دارد.

۳۰۰ | گزینه ۱

متن: صفحات ۵۶ و ۵۸

این‌که هر عضوی کدام کار را انجام دهد، از تقدیرات الهی است. فقط با زندگی در یک جهان قانونمند است که امکان بهره‌مندی از اختیار و انتخاب وجود دارد.

۳۰۱ | گزینه ۴

تدبیر در قرآن: صفحه ۵۵

با توجه به آیه: ﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصَٰئِرٌ مِّنْ رَّبِّكُمْ فَمَنْ اَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ عَمِيَ فَلِغُلِيّٰهٖ﴾ خداوند با ارسال دلایل و رهنمودهای روشن، راه بینایی و کوردلی را برای انسان باز گذاشته است و این آیه بیانگر «تفکر و تصمیم» از نشانه‌های اختیار انسان است.

۳۰۲ | گزینه ۳

متن: صفحه ۵۷

امیرالمؤمنین آموخت که اعتقاد به قدر و قضا، نه تنها مانع تحرک و عمل انسان نیست، بلکه عامل و زمینه‌ساز آن است و این انسان است که باید با تشخیص درست، بهترین‌ها را انتخاب کند.

۳۰۳ | گزینه ۱

متن: صفحه ۵۷

معنای قدر و قضای الهی این است که هر چیزی مهندسی و قاعده خاص خود را دارد و تمام جهان براساس قواعدی بنا شده است و این قواعد، توسط انسان قابل یافتن و بهره‌گیری است.

۳۰۴ | گزینه ۳

ارتباط مفهومی: بیت / آیه

مفهوم بیت مطرح در صورت سؤال، مسئولیت‌پذیری از نشانه‌های اختیار است. همین مفهوم در آیه: ﴿ذَلِكْ بِمَا قَدَّمْتَ اَيْدِيكُمْ...﴾ نیز آمده است.

۳۰۵ | گزینه ۴

متن: صفحه ۷۲، آیه: تدبیر در قرآن، صفحه ۶۵

اگر کسانی چنان در باطل و گناه پیش روند که از کار خود خرسند باشند و با حق دشمنی و لجاجت ورزند، خداوند به آن‌ها فرصت و نعمت می‌دهد و آن‌ها این فرصت‌ها و نعمت‌ها را وسیله غوطه‌ور شدن در گناهان قرار می‌دهند. در حقیقت، مهلت‌ها و نعمت‌ها، با اختیار خودشان به صورت بلائی الهی جلوه‌گر شده و به تدریج به سوی هلاکت ابدی نزدیک‌تر می‌شوند. این سنت، سنت «املاء و استدراج» نام دارد.

۳۰۶ | گزینه ۴

آیه: تدبیر در قرآن، صفحه ۶۶

این سؤال را باید با توجه به آیه ۹۶ سوره اعراف پاسخ داد:

﴿و لَوْ اَنَّ اَهْلَ الْقَرْىِ اٰمَنُوْا وَ تَقَوْا و اگر مردم شهرها ایمان آورده و تقوا پیشه می‌کردند: ایمان و تقوای مردم

لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْاَرْضِ قطعاً برایشان برکاتی از آسمان و زمین

می‌گشودیم: نتیجه ایمان و تقوا: برخورداری از برکات الهی

﴿و لٰكِن كَذَّبُوْا فَاخَذْنَا مِنْهُمۡ مَّا كَانُوْا يَكْسِبُوْنَ﴾ ولی تکذیب کردند، پس آنان را گرفتار ساختیم (بکفر) آن‌چه مرتکب می‌شدند: در غیر این صورت، گرفتار کیفر الهی می‌شوند.

۳۰۷ | گزینه ۲

متن: صفحه ۶۸، آیه: تدبیر در قرآن، صفحه ۶۵

دستاورد (نتیجه) سنت ابتلاء و آزمایش برای انسان این است که هویت و شخصیت او ساخته می‌شود و شناخته می‌گردد.

عبارت ﴿و نبلوكم بالشرّ و الخير فتنه﴾ بیانگر سنت ابتلاء است. پس فقط با توجه به قسمت دوم سؤال می‌توان به سؤال پاسخ داد!

۳۰۸ | گزینه ۱

متن: صفحه ۷۲، آیه: تدبیر در قرآن، صفحه ۶۵

اگر کسانی چنان در گناه و باطل پیش روند که از کار خود خرسند باشند و با حق، دشمنی و لجاجت ورزند، خداوند به آن‌ها فرصتی می‌دهد و آن‌ها این فرصت را وسیله غوطه‌ور شدن در گناهان قرار می‌دهند، به طوری که اگر در ابتداء اندک امیدی وجود داشت که نور حق در دلشان بتابد، به تدریج چنین امیدی بر باد رفته و به شقاوت ابدی گرفتار می‌شوند. این سنت که از جمله سنت‌های حاکم بر زندگی معاندان و غرق شدن در گناه است، سنت «املاء و استدراج» نام دارد. آیه ﴿وَ الَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِآيٰتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُم مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُوْنَ﴾ بیانگر این سنت است.

۳۰۹ | گزینه ۲

ارتباط مفهومی: حدیث / آیه

سنت بیان‌شده در حدیث: «من عیش بالاحسان اكثر متن عیش بالاعمار»، تأثیر اعمال انسان در زندگی او است؛ بنابراین باید آیه‌ای را انتخاب کنیم که به این سنت اشاره دارد که گزینه (۳) پاسخ صحیح است: ﴿و لَوْ اَنَّ اَهْلَ الْقَرْىِ اٰمَنُوْا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْاَرْضِ و لٰكِن كَذَّبُوْا فَاخَذْنَا مِنْهُمۡ مَّا كَانُوْا يَكْسِبُوْنَ﴾

۳۱۰ | گزینه ۱

متن: صفحه ۶۹، آیه: تدبیر در قرآن، صفحه ۶۵

در «سنت ابتلاء» می‌گوییم: کوچک‌ترین حادثه‌ای که پیرامون ما رخ می‌دهد، امتحانی برای ماست تا روشن شود که ما نسبت به آن حادثه چه تصمیمی می‌گیریم و چگونه عمل می‌کنیم. عمل درست، رشد و کمال و عمل غلط، عقب‌ماندگی و خسران ما را به دنبال دارد. آیه‌ای که به سنت امتحان اشاره دارد، آیه ﴿اِحْسَبِ النَّاسَ اِنْ يَّرْكُوْا اَنْ يَقُوْلُوْا اٰمَنَّا وَ هُمْ لَا يَفْتَنُوْنَ﴾ است.

۳۱۱ | گزینه ۱

متن: صفحه ۷۲، آیه: تدبیر در قرآن، صفحه ۶۵

سنت املاء فقط حاکم بر زندگی گناهکاران است.

آیه ﴿وَ الَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِآيٰتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُم مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُوْنَ﴾ بیانگر این سنت است.

۳۱۲ | گزینه ۴

متن: صفحه ۷۲، آیه: تدبیر در قرآن، صفحه ۶۵

آیه مطرح در صورت سؤال، بیانگر سنت «املاء و استدراج» است. در نتیجه باید گزینه‌ای را انتخاب کنیم که متناسب با این سنت باشد.

بررسی گزینه‌ها: گزینه (۱): با توجه به این سنت، مهلت خداوند برای افزایش

گناهانشان است، نه نجات از ظلمت‌ها و تاریکی‌ها

گزینه (۲): مهلت‌ها و امکانات در سنت املاء، به صورت بلائی الهی جلوه‌گر می‌باشد، نه لطف الهی.

گزینه (۳): این گزینه با اشاره به سنت امداد، نادرست است.

گزینه (۴): این گزینه در خصوص سنت املاء صحیح است و در نتیجه پاسخ درست می‌باشد.

۳۱۳ | گزینه ۱

آیه: تدبیر در قرآن، صفحه ۶۵، متن: صفحه ۷۰

آیه مطرح در صورت سؤال، بیانگر سنت امداد است. در این سنت می‌گوییم: خداوند، امکانات و لوازم رسیدن به خواسته‌ها و هدف‌های هر گروه را یکسان فراهم کرده است. کسی که راه حق را برمی‌گزیند، لوازم و امکانات رسیدن به راه حق را می‌یابد و کسی که فقط دنیا را انتخاب کرده، همان را به دست می‌آورد. طبق این مفهوم، سنت امداد، سنتی عام است و شامل همه انسان‌ها می‌شود.

پ.ن: دو گزینه دیگر بیانگر سنت «سبقت رحمت بر غضب» است.

